


# پنج شناسه‌ی آشکار

## کلیسای راستین خدای زنده

 برادر نویل سپاسگزارم، خداوند به شما برکت دهد. به راستی حضور امشب در اینجا مایه‌ی سرفرازی و افتخار است. بسیار خوشحالم که خدا اجازه داد اینجا باشیم. کمی در برابر دوربین‌ها خجالت می‌کشم. دوست دارم... بفرمایید، بگیری. مشکلی نیست. تنها به آنها خیره می‌شوم. نسبت به آنها حساس هستم. در هر حال مشکلی نیست. خوب است. حال هوا کمی گرم است. ما دو پیغامی بس شگفت از خداوند دریافت کرده‌ایم. و اکنون، امشب گمان می‌کنم که درک آن...

۲ بسیاری از دوستانی که اینجا حضور دارند باید مسافت زیادی رانندگی کنند، برخی از آنها از کنتاکی آمده‌اند. برادر ولچ اوانس و خانواده‌ی ایشان را اینجا می‌بینم که اهل تیفتون جرجیا هستند. اینجا عزیزانی از کالیفرنیا را ملاقات کردم. در این مکان عزیزانی از آلمان و مناطق دیگر حضور دارند، به این منطقه‌ی کوچک آمده‌اند تا خدا را خدمت کنند. خواهر نلی کاکس را می‌بینم. به گمانم مادر همسرشان و مابقی اینجا حاضرند. و چه بسا دوستانم که اینجا حضور دارند باید امشب برای بازگشت به کنتاکی جرجیا، دامنه‌های تینس، آن بالای آهایو کیلومترها راه طی کنند. یکی از دوستانی که اینجا حضور دارند، برادر تد دادلی هستند که از فینیکس آریزونا به اینجا آمده‌اند. بسیاری دیگر از آنها اینجا حضور دارند، دیگرانی که اگر می‌توانستم آنها را نام به نام صدا می‌زدم، این عزیزان امروز به اینجا آمده‌اند تا ما را ملاقات کنند. نتوانستم به نود درصد عزیزان حاضر دست دهم. دوستانی از شیکاگو و کمابیش از همه جا می‌بینم. چند نفر اهل این شهر نیستند؟ دستان خود را بلند کنید. بنابراین نود درصد حضار دوستانی از کلیساهای گوناگون سراسر کشور هستند.

۳ در جلسه‌ی بامدادی موعظه‌ام به درازا کشید، تا ساعت یک و نیم برای بیماران دعا کردم به همین دلیل صدایم کمی گرفته است. پس باید اندکی موعظه کنم سپس به قولی به دنده‌ی دو بروم.

۴ برادر لی وایل حضور دارند، بسیار مختصر با ایشان احوال‌پرسی کردم، ایشان یکی از همکارانم از کلیسای باپتیست آهایو هستند.

۵ برادر بن این تو هستی؟ [برادر بن براین می‌گوید: «آمین»- گروه تألیف.] تاکنون صدای «آمین» تو را نشنیده بودم، در غیر این صورت تو را می‌شناختم. همه برادر بن را می‌شناسند. می‌دانم که ایشان بیرون از شهر زندگی می‌کنند ولی چیزی که نمی‌دانم... برادر بن هم اکنون کجا زندگی می‌کنی؟ [«خوب، برادر، ما در نوردن بوردن، ایندیانا زندگی می‌کنیم.»] بوردن، ایندیانا.

۶ از بودن هر یک از شما در اینجا خوشحالیم. و اکنون قصد ندارم شما را برای زمان درازی نگه دارم زیرا باید کیلومترها رانندگی کنید. ای کاش می‌توانستم امشب هر یک از شما را به منزل خود دعوت کنم. این را جدی می‌گویم. من خود باید کمابیش ساعت سه، بین ساعت سه و چهار راهی شوم و ای کاش می‌توانستم شما را با خود ببرم. دوستم از آرکانزاس و همسرش را می‌بینم. شما همان آقای هستید که ما... آن شب خداوند سخن گفت و همه‌ی آن امور را بازگو کرد؟ به گمانم شما بودید. هنگامی که جستجوگرانه نگاه می‌کنم، دوستان قدیمی و جدید را می‌بینم. خوب، خدا از نیت‌های قلب من آگاه است اینکه دوست داشتم شما را ببینم و شما را به منزل خود دعوت کنم تا با هم گفتگویی داشته باشیم. یک روز این کار را خواهیم کرد، جایی که دیگر نخواهیم گفت: «عجله داریم. باید دنبال بچه‌ها بروم. کسی بیمار است.» در آن روز عظیم همه‌ی اینها پایان خواهد یافت. امیدوارم بارها و بارها یکدیگر را ملاقات کنیم.

۷ اکنون، می‌خواهم منتظر خداوند باشم تا مسیری که باید در پیش گیرم، برایم مشخص شود. حال، سه‌شنبه، بیشتر از هر زمان دیگری در عمرم نیاز به دعا دارم. از شما می‌خواهم که همه برای من دعا کنید. [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف.] به دعاهای شما نیاز دارم. حتماً برایم دعا کنید. سه‌شنبه مشخص می‌شود قضیه چه شکلی به خود می‌گیرد، این می‌تواند بُرد مهمی برای من، برای کلیسا و امور مسیح به همراه داشته باشد. پس حتماً برایم دعا کنید.

۸ حال تا هنگامی که راه در پیش رو و کاری که باید انجام دهم را دریابم، منتظر خداوند خواهم بود. در طول این مدت، اینجا در نواحی اطراف خیمه خواهم بود، همین‌جا، موعظه می‌کنم، برای بیماران دعا می‌کنم، و هرآنچه می‌توانم را انجام می‌دهم. اگر دولت مانعی ایجاد نکند، قصد داریم روزی اینجا کلیسا بسازیم، کلیسایی زیبا تا به اندازه‌ی کافی فضای نشستن، سالن اصلی، بالکن و غیره داشته باشیم، اگر به ما مجوز دهند، کلیسای زیبایی خواهد بود. امیدواریم چنین شود. پس برای ما دعا کنید.

۹ و اکنون، امشب به امید خدا به موضوعی که در جلسه‌ی بامدادی قول دادم، می‌پردازیم و در این شامگاه در مورد آن صحبت می‌کنیم. و جلسه کمی به شکل [جلسات] تعلیمی خواهد بود زیرا صدایم گرفته است. امشب می‌خواهم در مورد پنج شناسه‌ی آشکار کلیسای راستین خدای زنده صحبت کنم. پنج تأیید آشکار کلیسای راستین یا ترجیحاً پنج شناسه‌ی آشکار کلیسای راستین!

۱۰ پیش از پرداختن به این موضوع مهم، درخواست دعا دارم. از شبان‌مان، برادر نویل درخواست می‌کنم که این بالا تشریف بیاورند و برای کلام خدا دعا کنند. تا هنگامی که برادر نویل خود را برای دعا آماده می‌کنند، به اتفاق سراغ انجیل متی باب ۱۶، آیه‌ی ۱۸ برویم؛ با انجیل متی ۱۸:۱۶ شروع می‌کنیم.

[برادر اورمان نویل دعاهای ذیل را بلند می‌کند-گروه تألیف.]

«ای پدر آسمانی ما، امشب به خاطر این افتخار و فرصتی که به برکت رحمت عظیم بی‌پایان تو به ما عطا شده، سپاسگزاریم. امشب به خاطر این میل درونی و چیزی

که ما را به سوی خود کشیده و هدایت روح‌القدس از تو سپاسگزاریم. خدای ما، شکر تو می‌کنیم که تو خدایی هستی که پایین آمدی که تا انقضای این دنیا در ما و با ما باشی.» [بله.

«ای پدر، تا هنگامی که قادریم دست تو را بگیریم و با تو راه رویم، مشکلات بزرگ و تجربه‌های فردا هیچ هستند.» [حقیقتاً چنین است، ای خداوند. «خداوند دعا می‌کنیم تا شفقتی عمیق نسبت به دیگران در عمق وجود ما جای دهی، می‌دانیم هنگامی که عزیزی در ژرفای تجربه و سختی آزمایش است، ما نیز روزی چنین تجربه‌ای خواهیم داشت و در شرایط مشابهی قرار خواهیم گرفت. خداوند، روح عیسی را در ما نهادینه کن تا برای یکدیگر بار داشته باشیم، زمانی که بین ما اتحاد برقرار شود آنگاه می‌توانیم به اتفاق تو را خدمت کنیم.»] [بله.

«پدر، امشب تو را سپاس می‌گوییم بفر افتخاری که نصیب‌مان شد تا پای تعلیم خادم تو بنشینیم، کسی که تو خود مقدر کردی، کسی که تو خود او را به این جایگاه برگزیدی.» [سپاسگزارم. «تو را چنین پسند آمد که به ما اجازه دهی تا افتخار اینجا بودن نصیب‌مان شود، تا از این خدمت بهره ببریم. او را برکت عطا کن و از طریق... خدمتی که به او محول شده، به ما برکت بده.»] [این را عطا کن. بله.

«ای پدر، با نزدیک شدن به روزهای هفته‌ی در پیش رو دعا می‌کنیم، در حالی که در جایگاه شفاعت‌گر تو را می‌خوانیم، همین‌جا با تمام قلب خود می‌گوییم: خدایا، تو به ما فرمودی چنانچه تنها ایمان داشته باشیم و اطمینان ما بر تو باشد و از تو فرمان ببریم، هرآنچه می‌گوییم و موافق آنچه بگوییم، خواهد شد. همین‌طور خداوند، روزهای آینده، روزهای آزمایش برای برادر من خواهد بود، برای برادر ما، خادم تو. خدایا، از هر جهت در نام خداوند عیسی مسیح او را به تو می‌سپاریم و دعا می‌کنیم که تو او را با حفاظت و برکات آسمانی در برگیری، برکاتی که تا حال آن را تجربه نکرده باشد.» [خداوند! این را عطا کن. خداوند، چنین کن.

«خدای من، دعا می‌کنیم که هر قدرت فکری که قد برافراشته و تلاش می‌کند انصراف و انحراف ایجاد کند را از بین ببری.» [خداوند، این را عطا کن. «باشد که هنگام فراهم بودن فرصتی برای سخن گفتن، دهان وی به کلمات و حکمت پر شود.»] [بله، خداوند. «خداوند، خدای ما، تو را سپاس می‌گوییم که برای تمام خادمانت در طول تمام اعصار فراهم کرده‌ای.»] [بله. «و روح‌القدس کفایت می‌کند تا سخنانی که بازگو می‌شود و کلامی که در مقابل رجال دانش‌آموخته و روشنفکر ایراد می‌شود، تجهیز و مزین شود.»] [بله، خداوند.

«ای پدر ما، از تو می‌طلبیم تا فروتنانه و به آرامی در حضور تو بخرامیم، ای خداوند عیسی مسیح. بگذار تنها خواست تو را به انجام برسانیم و حضور تو را دریابیم. اکنون با ما باش. و خدایا، سرودها را از عمق وجود ما بیرون بکش، نه چنین که به قدرت ما جاری شود بلکه تسبیح از درون ما، از طریق مسح سر از بر شود.» [خدایا!

«امشب از تو می‌طلبیم که برای پایان این روز بی‌نظیر سنگ تمام بگذاری، روزی که آمدی و بیماران را شفا دادی و گمشدگان را رستگار ساختی و با ما بودی تا

قلب‌های ناپاکان را طاهر سازی.» [بله!...؟!... «اینک، خداوند، در این جلسه همه‌ی امور را در دست بگیر و صدای برادر ما را مبارک فرما. حین جاری شدن کلام، بر آن برکت مزید فرما، باشد که قلب‌ها و افکار پذیرا داشته باشیم. حال، شکرگزاری ما را بپذیر زیرا در نام عیسی تقدیم کردیم. آمین و آمین.» آمین.

۱۱ آیا صدا کاملاً بلند است؟ آیا همه چیز تنظیم است؟ تنظیم است؟ [کسی می‌گوید: «همه چیز تنظیم است.» -گروه تألیف.] آیا این میکروفن، میکروفن خوب است؟ [«هر دو آنها.»] آیا صدای من واضح است؟ آن انتها، مرا خوب می‌شنوید؟ [«آمین.»] بسیار خوب. عالی است.

۱۲ اکنون می‌خواهم از کتاب متی باب ۱۶ آیه ۱۸ را بخوانم. از آیه ۱۷ شروع می‌کنم.

عیسی در جواب وی گفت، خوشبخت‌ترین تو ای شمعون بن یونا... زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده بلکه پدر من که در آسمان است.

...و من... نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.

۱۳ باشد که خدا برکت خود را بر کلامش مزید فرماید. در هر یک از مواردی که امشب انتخاب کرده‌ام تا در مورد آن با شما صحبت کنم واژه‌ی کلیسا وجود دارد؛ کلیسا چیست؟ چه کسی آن را بنا نهاد؟ پیغام الهی چیست؟ چگونه عضو آن می‌شویم؟ و آیا می‌توانیم بدون عضویت در کلیسا، به آسمان راه یابیم؟

حال، هریک از این متون و بررسی آن، ساعت‌ها زمان می‌طلبد. اما من قصد دارم برای نشان دادن ماهیت و چیستی کلیسای راستین، تنها به نکات اصلی این مبحث اشاره‌ای داشته باشم. و اینک از شما می‌خواهم که کتاب مقدس خود را همراه داشته باشید.

۱۴ حال، محض مقدمه باید گفت که؛ خود واژه‌ی کلیسا یعنی «فراخوانده‌شدگان به خروج.»

پس به این ترتیب، تا هنگامی که بنی‌اسرائیل در مصر به سر می‌برد، کلیسای خدا نبود. آنها قوم خدا بودند. و با برون‌خوانی الهی بنی‌اسرائیل از مصر، آنها کلیسای خدا شدند زیرا آنها برون‌خوانی شده بودند یا به سخنی «به خروج فراخوانده شده بودند.»

اینک امروز نیز همین امر صادق است. واژه‌ی کلیسا یعنی «برون‌خوانده‌شدگان»، آنانی که به خروج فراخوانده شده‌اند، جدا شده‌اند، دگرگون شده‌اند.

۱۵ گفتنی است در عهد عتیق، کلیسای شناخته شده، «ملکوت خدا» نامیده می‌شد. ملکوت خدا. خوب این را از گاهشماری کتاب مقدس [شرح وقایع به ترتیب زمانی] استخراج کردم. در عهد عتیق، کلیسا «ملکوت خدا» نامیده می‌شد. به سخنی دیگر، خدا پادشاه است و کلیسا قلمرو اوست. در عهد عتیق «ملکوت خدا» نامیده می‌شد.

۱۶ در عهد جدید، «فرمانروایی مسیحایی» نام دارد. چنین توصیفی را می‌پسندم، مسیحایی. به سخنی دیگر «فرمانروایی مسیحایی» جایی است که مسیح فرمانروایی و سلطنت می‌کند. نه هیچ مرز فرقه‌ای یا هر چیز دیگر بلکه مسیح در امپراطوری خود فرمانروایی می‌کند. تأمل در آن فوق‌العاده است، مگر چنین نیست؟ فرمانروایی مسیحایی. کلیسا قوم خداست که از دنیا برون‌خوانی شد تا در یک پادشاهی دیگر خدمت کند.

۱۷ جا دارد ماجرای را تعریف کنم. چند ماه پیش من و همسرم به مرکز خرید رفته بودیم. و چیز عجیبی دیدیم، خانمی در خیابان بود که دامن به تن داشت. باور کردنی نیست ولی واقعیت دارد ما چنین خانمی را دیدیم. و همسرم به من گفت: «چه خوب، اینجا را ببین.»

۱۸ گفتم: «آن خانم باید مسیحی باشد. او بسیار متفاوت است.» وضعیت کنونی مایه‌ی شرم است.

۱۹ سپس پرسشی مطرح شد: «بیل، چرا ما به عنوان مسیحیان با این ایمانی که داریم، با وجود اینکه تلاش می‌کنیم خانم‌ها دامن ببوشند ولی آنها به شکل دیگری عمل می‌کنند؟ مگر همین مطلب درباره‌ی کلیساهای دیگر صدق نمی‌کند؟ آنها از آن نوع لباس‌ها بر تن می‌کنند، یعنی همان لباس‌های غیر اخلاقی، چرا چنین است؟ خوب نمی‌توان گفت که آنها همگی فاسد بودند.»

۲۰ گفتم: «درست است. من نمی‌توانم کسی را قضاوت کنم. اما وضعیت آنها قابل مشاهده است، آنها را باید از میوه‌های‌شان شناخت. چه بسا آنها جرمی مرتکب نشوند ولی تحت سیطره‌ی روحی هستند که آنها را به بی بند و باری می‌کشاند.»

۲۱ خوب، عیسی خود فرمود: «هر که از روی شهوت به زنی نظر اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.» حال هنگامی که این گناهکار باید برای جرم زنا حساب پس دهد، چه کسی مقصر است؟ آن زنی که اندام‌نمایی کرده است. چه بسا از نظر عفت چون گل نیلوفر پاک باشید. اما چنانچه با پوشش‌های اندام‌نما خود را نزد دیگران به معرض نمایش بگذارید، با اینکه زنا نکرده‌اید ولی باعث شدید که با افکار شیطنانی به شما نگاه شود، و این خطا و جرم شما محسوب می‌شود. عیسی گفت شما مرتکب «زنا» شده‌اید. و «شخص زناکار» به هیچ روی به آسمان راه نخواهد یافت.

۲۲ خوب، من به گوشه و کنار دنیا سفر کرده‌ام و متوجه شدم که هر مردمی روح مختص به خود را دارند. و تمام قوم‌ها به نحوی تحت تسلط شیطان هستند. شیطان همه حکومت‌ها را رهبری می‌کند. این گفته‌ی کتاب مقدس است. آنها با هم در ستیز هستند، می‌جنگند و تا زمان بازگشت عیسی به کار خود ادامه می‌دهند، سپس عیسی پادشاهی خود را برقرار خواهد ساخت که در آن هیچ جنگی نخواهد بود. اما شیطان درست در مقابل عیسی مسیح اقرار کرد که همه‌ی فرمانروایی‌های دنیا از آن او بود، و هر کاری که می‌خواست را با آنها انجام می‌داد. پس آنها همه ابزار شیطان و فرمانروایی‌های

شیطانی هستند. شیطان به عیسی گفت: «اگر در مقابل من بیفتی و مرا بپرستی، آنها را همه به تو می‌بخشم.»

۲۳ عیسی می‌دانست که خدا در سلطنت هزار ساله همه‌ی فرمانروایی‌ها را به او خواهد بخشید، از این رو گفت: «دور شو ای شیطان.» او می‌دانست که خدا تمام پادشاهی‌ها و قلمروهای حکومتی را به او خواهد داد و آنها یکسره از آن او خواهد بود، و آنها همه یک پادشاهی، یک قلمرو حکومتی واحد تشکیل خواهند داد.

۲۴ با رفتن به آلمان، متوجه روح آلمانی می‌شوید. به انگلیس که بروید، با روح انگلیسی مواجه می‌شوید. با رفتن به سوئد، روح سوئدی می‌بینید. به فرانسه که پا می‌نهدید، متوجه روح فرانسوی می‌شوید. به آمریکا می‌آیید، روح آمریکایی می‌بینید.

۲۵ چندی پیش در شهر رم در سان آنجلو توقف کردم، قصد داشتم گوردخمه [نوعی معماری صخره‌ای است و فضایی که در صخره‌ها، کوه‌ها یا تپه‌ها به جهت خاکسپاری متوفیان ساخته می‌شد- گروه تألیف.] را ببینم. و به عنوان یک آمریکایی چیزی غیر منتظره [دیدم] که مایه‌ی سرافکندگی بود، در مقابل درب ورودی گوردخمه جایی که وارد می‌شوید، اعلام می‌شد: «خانم‌های آمریکایی، لطفاً قبل از ورود به جهت حفظ حرمت مردگان لباس مناسب بر تن کنید.» چنین زبون شدن و تنزل به این جایگاه برای هر ملتی در حکم فاجعه است. پس می‌بینید از آنجا که...

روزی از خانمی پرسیدم: «آیا شما مسیحی هستید؟»

۲۶ پاسخ داد: «من آمریکایی هستم. البته که [مسیحی] هستم.» این هیچ ارتباطی به آن ندارد.

۲۷ شبی برادر بوسورث از کسی پرسید: «خواهر، شما مسیحی هستید؟»

۲۸ او پاسخ داد: «بدانید که من هر شب یک شمع روشن می‌کنم.» شمع روشن کردن هم هیچ ارتباطی با ایمان مسیحی ندارد. ایمان مسیحی شامل چنین چیزهایی نیست. و این نوآوری‌ها و بدعت‌ها با جوهره کلیسای خدا سراسر بیگانه است.

۲۹ حال، چه باعث می‌شود که زنان... ما هرگز خانم‌ها را وادار به چنین کارهایی نمی‌کنیم. ما هرگز مردان خود را وادار نمی‌کنیم که نوشیدن مسکرات را کنار بگذارند یا قسم نخورند. ما به اعلام انجیل بسنده می‌کنیم و الگوهای کتاب مقدسی را ارائه می‌دهیم. بسیاری از مردان که به ایمان پنطیکاستی و ایمان مقدس روی آوردند و عضو هم شدند، تنها ادعای ایمان می‌کنند در حالی که در قلب خود ایماندار نیستند. زنان بسیاری هم همان رویکرد را در پیش گرفتند. برای کسی تعیین تکلیف نمی‌کنیم. تنها به آنها الگو ارائه می‌دهیم. عین گفته‌ی کتاب مقدس را برای آنها بازگو می‌کنیم و چنانچه از روح آسمانی زاده شده باشند دیگر روح آنها متأثر از آمریکایی نیست، دیگر متأثر از آلمانی نیست. جوّ آسمان، جوّ قلمرو حاکمیت و پادشاهی الهی در آنها اثر می‌کند. زیرا ما در ملکوتی دیگر که همان ملکوت خداست به سر می‌بریم؛ جایی که پاکی، تقدس و قوّت حکفرماست.

۳۰ ما به پادشاه خود دسترسی داریم. هر گاه تقاضا کنیم او ما را به ملاقات می‌پذیرد. هیچ شفاعتگر دیگری، هیچ میانجی دیگری میان آن پادشاه و خود نداریم جز آن انسان یعنی عیسی مسیح. پس ما در ملکوت زندگی می‌کنیم. و در گاهشماری کتاب مقدس از آن به عنوان «مسیحایی، ملکوت مسیحایی» یاد می‌شود. به عبارت دیگر، جایی که مسیح در قلمرو خود بر هر زندگی فرمانروایی می‌کند، بر زندگی مردم سلطنت می‌کند، برون‌خوانده‌شدگان از هر مقطع زندگی، با یکدیگر در یک گروه جمع می‌شوند و آن جمع «کلیسای او» یا «فراخوانده‌شدگان او» خوانده می‌شود. مگر زیبا نیست؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.]

۳۱ حال، بنی‌اسرائیل قوم خدا بود تا هنگامی که (اگر یادداشت می‌کنید در اعمال ۳۸:۷ چنین آمده است.) آنها کلیسای خدا خوانده شدند زیرا خدا خود آنها را فراخواند تا از مصر، از دنیا برون شوند تا تنها با خدا راه روند.

۳۲ و حال، امروز همین امر درباره‌ی کلیسای خدا صدق می‌کند، او به برون شدن از هر امر دنیوی، از هر بدعت و نوآوری آیینی، از هر فرقه‌ی مذهبی، از هر سازمان و تشکل دینی خوانده شد باشد که در سلوک با خدا گام بردارد. در آن ملکوت مسیحایی که زندگی می‌کنیم، سخن از حاکمیت یک اسقف بر کلیسا نیست بلکه سخن از حاکمیت مسیح بر آن است. مسیح پادشاه است. آن شهریار، مسیح است.

۳۳ پس، مسیح همان سر است و بس. مسیح رئیس ملکوت مسیحایی است. و نمی‌توان آن ملکوتی که مسیح سر آن است را به تشکل تبدیل کرد. و نمی‌توان آن پادشاهی‌ای که مسیح سر آن است را فرقه کرد. زیرا مسیح پادشاه است و نمی‌توان با تفکر انسانی تشکلی برپا کرد تا مسیح بر آن حکومت کند. از این رو هر اجتماعی، هر مردمی، هر گروهی از انسان‌ها که سعی دارد ملکوت خدا را به تشکل بکشاند، با آن پادشاه سر ناسازگاری خواهد داشت. پس اگر با پادشاه سر ناسازگاری دارد، به یقین با پادشاه ستیزه‌جویی می‌کند. و اگر ضد پادشاه است، ضد مسیح خواهد بود. این مسئله پرواضح است. چنانچه می‌توانستم با صدای بلندتر صحبت کنم، این موضوع را شفاف‌تر می‌کردم. پس این جلوه‌ای از [روح] ضد مسیح است. چنانچه چند دقیقه مرا تحمل کنید، این ادعا را ثابت خواهم کرد. در اینجا سخن از روح ضد مسیح است که به واقع می‌کوشد بر مردم چیره شود، آنها را از تشکلی به تشکل دیگری بکشاند و در فضای تشکلی جمع کند، این امر به هیچ عنوان در چهارچوب اراده‌ی خدا نمی‌گنجد. مردم همواره با من سر ستیز دارند زیرا به شدت به تشکل‌ها تاخته‌ام. البته گفتنی است که موضوع تخطئه‌ی من نه اعضای تشکل‌های دینی بلکه آن روح سلطه‌جویی است که مردم را بر آن می‌دارد تا تصور کنند که: «ما قوم [خدا] هستیم و بس.»

۳۴ قوم خدا را فراخوانده‌شدگان او تشکیل می‌دهند. معتقدم اعضای قوم خدا در هر فرقه‌ای حضور دارند. چه بسا کاتولیک باشند. چه بسا پروتستان باشند. چه بسا یهودی باشند. می‌توانند در هر گونه کلیسا پیدا شوند. اما آن کلیسای حقیقی همان بدن سرتی عیسی مسیح است.

۳۵ خوب، از بدن سَری عیسی مسیح نمی‌شود فرقه ساخت. حال، هر که نزد مسیح می‌آید، از دنیا برون شده، وارد مسیح می‌شود، به سخنی وارد بدن سَری او می‌شود. و با پیوستن به این کلیسا به پیروی از آن برونخوانی، و ورود به بدن سَری از راه تعمید، دیگر عضوی از آن بدن مقدس شده‌اید. آیا متوجه مطلب می‌شوید؟ دیگر نه متدیست هستید، نه باپتیست، نه پنطیکاستی، نه ناصری، نه زائر مقدس، نه کاتولیک بلکه همان بدن عیسی مسیح. در دقایقی چند با دقیق شدن در موضوع، حین پرداختن به مسائل دیگر، این نکته را بررسی خواهیم کرد. پس منظور از کلیسا، بدن عیسی مسیح است.

۳۶ در همین راستا گفتنی است که او در بسیاری از مثال‌ها آن را به پیوند بین زن و شوهر تشبیه کرده است. او از کلیسا به عنوان «عروس» یاد می‌کند. عروس و داماد دیگر دو نفر نیستند، آنها یک هستند. «او گوشتی از گوشتم و استخوانی از استخوانم می‌باشد.» و هرگاه مرد یا زنی به وسیله‌ی روح‌القدس به بدن سَری مسیح فراخوانده می‌شود، همین که از روح‌القدس پر شده باشد عضو تامّ این بدن می‌شود. زیرا خدا روح را از مسیح بیرون کشید و بدن او را بر خیزاند و او را بر روی تخت خویش نشانید و روح‌القدس را بازفرستاد تا آن بدن سَری مسیح را پدید آورد. هنگام بازگشت خداوند، در آن بزم نکاح، آن وصال حاصل خواهد شد. پس نمی‌توان از آن تشکلی پدید آورد. این یک سرّ است.

۳۷ عیسی به نيقوديموس گفت: «باد هر جا که می‌خواهد می‌وزد صدای آن را می‌شنوی. لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. همچنين است هر که از روح مولود گردد.» این مطلب در ادراک ما نمی‌گنجد. از جایی می‌آید. پس متدیست نیست. باپتیست هم نیست. پنطیکاستی هم نیست. هیچ فرقه‌ای نیست. سخن از یک تولد است، تولد در ملکوت خدا.

۳۸ پس هرگونه کوشش برای تشکّل‌سازی، به یک پدیده‌ی ضدّ مسیحایی تبدیل می‌شود زیرا هرآنچه با آموزه‌ی مسیح سازگاری ندارد به واقع ضدّ مسیح است.

۳۹ حال، از چه زمانی آن تشکّل پدید آمد؟ چنانکه پیداست هنگامی که عیسی بر روی زمین بود، خود هیچ کلیسایی تشکّل نداد. او از پیدا شدن کلیسایی در آینده سخن گفت اما به هیچ روی قالب تشکّل به کلیسا نبخشید. تا چند صد سال پس از درگذشت رسولان، هیچ کلیسایی سمت و سوی تشکّل به خود نگرفت. نخستین تشکلی که بر روی زمین پیدا شد، همان کلیسای کاتولیک رومی بود. حال، من کتاب‌هایی چون پدران پسانیقیه‌ای، کتاب شهدا، نوشته‌های جوزفوت، اعصار اولیه از پمبرمنز و بسیاری دیگر از نویسندگان بزرگ قدیمی را دارم. و در هیچ جا، هیچ جایی نوشته نشده حتی در برگه‌ی از تاریخ، که پیش از پیدا شدن کلیسای کاتولیک رومی، کلیسایی شکل فرقه به خود گرفته باشد. این چنین آن [کلیسا] تبدیل به یک فرقه شد که این مسئله در حکم ضدّیت با خداست.

حال، اگر قرار بود چنین چیزی پدید آید... ای کاش می‌توانستم این موضوع را برای شما روشن سازم. اگر قرار بود چنین چیزی پدید آید و چنین ضدّ مسیح بزرگی باشد، مگر او که خدای لایتناهی است نباید آن را از پیش می‌دانست؟ اجماعت



می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف. [ آیا می‌شود او که لایتناهی است از پیدا شدن چنین پدیده‌هایی آگاهی نداشته باشد؟ و اگر پیدا شدن این امر تا این اندازه هولناک باشد، آیا او از پیش به کلیسای خود هشدار نمی‌دهد؟ ] «آمین.» امیدوارم اکنون درک بهتری داشته باشید که چرا چنین به جوهری فرقه‌ها می‌تازم و نه به اعضای آنها. آنها هر یک در بطن خود ضد مسیح هستند و بس.

۴۰ اینک می‌گویید: «یک دقیقه صبر کن، فکر می‌کردم به اعلام کتاب مقدس بسنده می‌کنی.»

۴۱ پس بگذاریم خود کتاب مقدس مسئله را بازگو کند. بیایید اکنون برگردیم و برای لحظه‌ای آن را بخوانیم. همراه من به کتاب مکاشفه باب ۱۷ بروید. این مکاشفه‌ی عیسی مسیح برای کلیسای خود است، همان کلیسای فراخوانده شده به خروج. مکاشفه ۱۷. و سعی خواهیم کرد به سریع‌ترین شکل ممکن به آن بپردازیم. اما اکنون در حالی که می‌خوانیم، توجه داشته باشید.

...یکی از آن هفت فرشته‌ای که هفت پیاله را داشتند، آمد و به من خطاب کرده، گفت: «بیا تا قضای آن فاحشه بزرگ را که بر آب‌های بسیار نشسته است به تو نشان دهم.»

۴۲ حال، تمام این مسائل در قالبی نمادین عنوان شدند زیرا سخن از مکاشفه‌ی عیسی مسیح است، این مکاشفه مَهر شده است. آیا این را می‌دانستید؟ امری پنهان است که تنها از راه مکاشفه دریافتنی می‌شود، نه از راه روشنفکرگری بلکه از طریق روح‌القدس، از راه عطایای روح‌القدس. «هر که فهم دارد، عدد وحش را بشمارد. هر که فهم دارد، هر که عطای حکمت دارد چنین و چنان کند.» و اینجا سخن از مکاشفه است.

۴۳ حال، همه می‌دانند وقتی در کتاب مقدس نماد زن به کار می‌رود، منظور کلیساست. کلیسای مسیح «عروس» خوانده می‌شود، پولس گفت: «من تو را به عنوان یک باکره‌ی عقیفه به مسیح نامزد ساختم.»

۴۴ حال اینجا سخن از زنی زورگو به میان می‌آید که به واقع فاحشه است. فرشته به یوحنا چنین گفت: «بیا تا قضای آن فاحشه‌ی بزرگ را که بر آب‌های بسیار نشسته است به تو نشان دهم.» پس «زن بر آب‌های بسیار نشسته است.» بسیار مرموز می‌نماید اما همین‌جا همه چیز عنوان شده است. کتاب مقدس آن مطلب را توضیح می‌دهد.

حال به اتفاق باب ۱۵ را در نظر بگیریم، آنگاه می‌توانیم... البته آیه‌ی ۱۵ از همان باب، آنگاه می‌توانید دریابید که منظور از «آب‌ها» چیست.

و مرا می‌گوید، آب‌هایی که دیدی، آنجایی که فاحشه نشسته است، قوم‌ها... جماعت‌ها... امت‌ها و زبان‌ها می‌باشد.

۴۵ بنابراین آب‌هایی که آن زن بر آن نشسته بود، بر روی آن، او بر «قوم‌ها، جماعت‌ها، امت‌ها و زبان‌ها» سیادت یافته بود. بر همه‌ی آنها فرمان می‌راند؛ اینجا سخن از یک زن است ولی زنی فاحشه، زنی زانیه.

چنانچه زنی زانیه باشد، اگر ما بدانیم زنی در این وضعیت به سر می‌برد، طبیعتاً بر ما روشن است که او نسبت به همسر خود وفادار نبوده است. ما چنین از او یاد خواهیم کرد. او سعی می‌کند چنین باوری القا کند که نسبت به مردی وفادار بوده در حالی که نسبت به آن مرد وفادار نبوده است. مگر چنین نیست؟ [جماعت می‌گویند: «آمین»]- گروه تألیف.]

خوب، این همان کلیسایی است که به ادعای خود، مسیح همسرش است ولی آموزه‌اش بر خلاف تعلیمات مسیح است. او زنی زانیه و فاحشه است. و بر مردمان، جوامع و ملت‌ها تسلط دارد. «بیا تا قضای او را به تو نشان دهم.» هم اینک شرح تصویری در برابر چشمان ما نمایان می‌شود.

...که پادشاهان جهان با او زنا کردند و ساکنان زمین... از خمر زنای او مست شدند.

۴۶ منظور از زنا چیست؟ «ناپاکی؛ ناپاک بودن.» او فاحشه است. سراسر مملو از ناپاکی است و تمام ثروتمندان دنیا، پادشاهان و مردان بزرگ امت‌ها و جوامع با او زنا کرده‌اند، از شرارت او برخوردار شده‌اند. می‌دانید از کجا نشأت می‌گیرد، مگر نمی‌دانید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین»]- گروه تألیف.] ملاحظه می‌کنید؟

۴۷ حال، من درباره‌ی این نگاشته مسئول نیستم ولی چنانچه از تعلیم آن خودداری کنم، باید پاسخگو باشم. بله. در اینجا از کلیسا صحبت می‌کنیم. اینک، در حالی که ادامه می‌دهیم، توجه داشته باشید.

پس مرا در روح به بیابان برد و زنی را دیدم بر وحش قرمزی سوار شده...

۴۸ بیاید همین‌طور که پیش می‌رویم به این نمادها پردازم. خوب قرمز همان رنگ «سرخ» است. قرمز از سویی رنگ زیبایی است. از سوی دیگر، قرمز، رنگی بدنام است، سرخ آتشگون، همان رنگ خطر می‌باشد. «قرمز رنگ... قرمز پوش بود.» سرخ پوش بود، [سخن] از فاحشه است.

۴۹ «و بر یک وحش سوار بود.» در کتاب مقدس، وحش به معنی «قدرت» است. چنانچه دقت بفرمایید، بسیاری از خادمان را می‌بینم که در تأیید این موضوع سر خود را تکان می‌دهند زیرا آنها معلمان کتاب مقدس هستند. پس وحش به معنای «قدرت» است. می‌بینیم که این وحوش کتاب مقدس یا مکاشفه ۱۳ و همین‌طور [کتاب] دانیال، از آب بیرون می‌آیند؛ وحوش، قدرت‌ها از میان مردمان بیرون می‌آیند.

۵۰ اما آیا توجه کردید؟ در مکاشفه ۱۳، وقتی ایالات متحده بلند می‌شود، تنها وحشی در کتاب مقدس است که در حین خیزش خود از میان آب‌ها بر نمی‌خیزد. به گفته‌ی کتاب از زمین بیرون می‌آید، از مکانی خالی از مردم. این همان پادشاهی نوظهور بود. بره‌مانند بود هرچند پس از گذر زمانی اژدهاوار سخن گفت. منظور همین کشور است. بی‌گمان این اتفاق خواهد افتاد. روزی مردم اشتباه کرده شخص نادردستی را خواهند برگزید. یوسفی را بر [قدرت] خواهند نشانند... یا «فرعونی که یوسف را نمی‌شناخت.» در گذشته هم در همین راستا تلاش کرده بودند و چنانچه این بار کوشش آنها نافرجام

بماند باز دست به کار خواهند شد. سرانجام این مسئله رخ خواهد داد. این گفته‌ی کتاب مقدس است. خوب، من سیاستمدار نیستم. هر دو جناح کجروی می‌کنند. پس من به عیسی مسیح رأی می‌دهم. او تنها کسی است که می‌پسندم. و به شما می‌گویم، اگر طالب آزادی برای فرزندان خود هستید، بهتر است هم اکنون عینک‌های خود را تمیز کنید. نمی‌دانم تا آنگاه چه قدر زمان داریم. بسیار خوب. داشتن... دقت کنید.

پس مرا در روح به بیابان برد و زنی (کلیسا) را دیدم بر وحش قرمزی سوار شده که از نام‌های کفر پر بود و هفت سر و ده شاخ داشت.

۵۱ «هفت سر». کمی دورتر، در اینجا آمده است که آن «هفت سر» بر بدن وحش به واقع «هفت تپه‌ای [است] که بر روی آن شهری قرار دارد.» حال کدام شهر بر روی هفت تپه بنا شد؟ [جماعت می‌گویند: «رم.» - گروه تألیف. ا. رم، دقیقاً، شهری که بر روی هفت تپه بنا شد، یک کلیسا، یک زن، یک فاحشه که با تمام قدرت خود بر دنیا تسلط دارد. چرا، موضوع درست همانند خواندن روزنامه روشن است. ملاحظه می‌کنید؟ یقیناً. بسیار خوب.

و آن زن، به ارغوانی و قرمز ملبس بود (آن زن، کلیسا، ثروتمند) و به طلا و جواهر و مروارید مزین...

۵۲ بفرمایید به من بگویید کی یکی از آنها تاکنون مالیات خود را پرداخت کرده است. بفرمایید به من بگویید، آنها کی برای چه چیزی مالیات پرداخت کرده‌اند. در انجام هر کاری دست آنها را باز گذاشتند. بله ولی باز خدا در آنجا فرزندان دارد. قطعاً دارد.

۵۳ اینجا این ضرب‌المثل مصداق می‌یابد که دیگ به دیگ می‌گوید رویت سیاه. بیشتر پنطیکاستی‌ها می‌گویند: «خوب، کاتولیک‌ها/ین و آن و دیگران را کشتند.» خوب، چه کسی جوزف اسمیث را کشت؟ گفتنی است که هیچ با جوزف اسمیث موافق نیستم. اما اینجا در آمریکا او به همان اندازه حق ارائه‌ی تعلیم خود را داشت که من دارم. و کلیسای متدیست جوزف اسمیث را کشت. وقتی وارد سالت لیک سیتی می‌شوید، تابلو بسیار بزرگی نصب کرده‌اند که بر روی آن نوشته: «قابل توجه متدیست‌ها؛ مراقب مورمون‌های جیرجیرک باشید.» بله. کلیسای متدیست جوزف اسمیث را کشت. پروتستان‌ها! پس کاتولیک‌ها را به باد انتقاد نگیرید. برای دقایقی توجه کنید، کتاب مقدس نیز همین را می‌گوید.

...جواهر... و مروارید مزین و پیاله‌ای زرین به دست خود پر از خبثات و نجاسات زنا‌ی خود داشت، آموزه‌های خود، آنچه از خود ارائه می‌داد، پادشاهان جهان از آن می‌نوشتند.

۵۴ هرکس می‌تواند این را باور کند، بی‌گمان می‌تواند ماجرای قرص‌های ویتامین برادر جاگر را نیز باور کند، اینکه «شما می‌توانید بر روی زنی که سی سال است با همسر خود ازدواج کرده و چندین و چند فرزند دارد، آبی بریزید و دوباره دوشیزگی او را به او برگردانید و همان شب او را نزد شوهرش به حمله بفرستید.» هرکس که

می‌تواند باور کند که آب متبرکه که چنین اثرگذار است، بالطبع هر چیز دیگری را نیز باور خواهد کرد. درست است.

ولی پادشاهان دنیا اعمالی از این دست مرتکب می‌شوند. آنها برای بقا و کسب حس آرامش این کار را انجام می‌دهند. هرچند در ته قلب خود می‌دانید که دچار تباهی شده‌اید. پس خون عیسی مسیح را بگیرید تا شما را پاک سازد. اما اکنون دقت کنید، آن نخستین کلیسای تشکل یافته است و همین‌جا کتاب مقدس در این باره صحبت می‌کند.

### و بر پیشانی‌اش این اسم مرقوم بود، سرّ و بابل عظیم و مادر فواحش و خیانت دنیا.

۵۵ اینک، توجه داشته باشید. همه‌ی ما موافق هستیم. به اذعان کتاب‌های خود کلیسای رومی، کتاب‌های خود کاتولیک‌ها، اینجا منظور همان کلیسای رومی است، نوشته‌های خودشان با این مسئله موافق است. من کتابی که *واقعیت ایمان* ما نام دارد را گرفتم، تنها به کشیشان تعلق دارد. بانویی کاتولیک توبه کرده بود. او پسری داشت که کشیش بود، پسر آن خانم آن کتاب را به من داده بود. آن کشیش مادر خود را متقاعد کرد که آن را به کلیسا برگرداند و آن خانم دنبال کتاب آمد و من آن را به او نادم. کتاب را به عنوان مدرک نگه داشتیم، خواستم در مورد چیزی که به آن حجت می‌کنم، اطلاع کافی داشته باشم. وقتی چیزی می‌گویم باید از آن آگاهی داشته باشم. خدا مرا در قبال آن مسئول قرار داده است.

۵۶ و به یاد داشته باشید که آن زن «سرّ و بابل» نام داشت. می‌دانیم که اینجا منظور همان کلیسای کاتولیک است. اما، چنانچه توجه داشته باشید، او «مادر فواحش بسیار» است. منظور از فاحشه چیست؟ این مسئله ماهیت او را می‌رساند، سخن از زنی روسپی است. حال، این تشکل‌ها از کجا سر برآورده‌اند؟ از مادر خود. پس سخن از اصل و ریشه‌ی آنهاست. آنگاه شما می‌گویید: «این همان ضد‌مسیح است.» درست است. پس چنانچه این ضد‌مسیح است، پس درباره‌ی تشکل‌های شما چه می‌توان گفت؟ زنی زناکار و فاحشه را تداعی می‌کند، پس همان چیز است «عمل زنا، همبستری نامشروع»، پذیرش امور نادرست صرفاً به خاطر اتکا به نگرشی انسانی. چنانکه در کتاب مقدس آمده است: «به احکام انسانی جایگاه آموزه می‌دهند.» این چیزی است که امروزه کلیسا خوانده می‌شود، سخن از پدیده‌ای است که با ملکوت خدا سر ناسازگاری دارد.

۵۷ این مسئله فضای عهد عتیق را تداعی می‌کند. خدا می‌خواست پادشاه بنی‌اسرائیل باشد، حتی پیش از اینکه آنها کلیسا شوند، و او خود پادشاه بود. و با وجود اینکه آنها یک نبی به نام سموئیل داشتند که مردی نیکو بود و آن مرد مسئله را برای آنها شکافته بود ولی باز می‌خواستند پادشاهی داشته باشند. خوب خواست آنها این بود که درست مانند سایر مردمان شوند. می‌خواستند مانند فلسطینیان باشند.

۵۸ همین‌جاست که پروتستان‌ها دچار مشکل می‌شوند. هنگامی که همه چیز به خوبی پیش می‌رود از خود بیخود می‌شوند و حتماً می‌خواهند دست به ابتکار بزنند. تنها...

هنگامی که چهل سال پیش آنجا روح‌القدس بر آنها فرود آمد، و قوت افزای شد، رقص و فریاد و سخن گفتن به زبان در میان آنها باب شد ولی اجازه ندادند به همان ترتیب پیش رود. آنها باید با چهارچوب‌بندی [مَدُنظر] خود، جریان را سازماندهی می‌کردند. پس گروهی شکل گرفت و آن را مجمع عمومی نام نهادند. گروه دیگری تشکیل شد، ماهیت آن نام فرخنده یعنی عیسی مسیح، اندکی برای آنها روشن بود و آن گروه که از آن به عنوان «پرسش نوین» یاد شد، اخراج و رانده شد. نگاه آنها هم تشکّل‌سازی کرده و مجموعه‌ی خود را پ.ا. جی. سی نامیدند، مجمع پنطیکاستی عیسی مسیح. در این خصوص که آیا مسیح هنگام بازگشت خود سوار بر اسب سفید می‌آید یا به چه صورت بازمی‌گردد، اندک اصطلاحی بین آنها به وجود آمد و سپس باز تشکّل‌سازی کردند و آن را پ.ا. دبلیو نامیدند، مجمع پنطیکاستی دنیا. چه داستانی! به همین ترتیب کلیسای خدا [چرچ آو گاد] هم پیدا شد. بعد به خاطر اختلاف بر سر مسئله‌ی نبوت از یکدیگر جدا شدند و دوباره تشکّل دیگری پدید آوردند. هر بار که دست به چنین اعمالی می‌زنید از اراده‌ی خدا خارج می‌شوید. روح ضدّ مسیح همین است!

۵۹ کلیسای خدا آزاد است. کلیسای الهی کران‌پذیر نیست زیرا از این سر اقیانوس‌ها تا آن سر اقیانوس‌ها همه چیز سراسر از آن خداست، هر انسانی بر روی زمین از آن خداست. چه کاتولیک باشد، چه پروتستان، یا هر چه باشد، خدا در پی افرادی است که قلبی صادق دارند. و ما از راه ایمان نجات یافته‌ایم، از راه ایمان به خدا. همین امر تعریف‌گر کلیساست. حال، چنانکه پیداست کلیسا تشکّل نیست.

۶۰ هر بار به محض دیدن یک تشکّل، به یاد داشته باشید بر بالای آن عنوان «ضدّ مسیح» حک شده است. این مطلب همین‌جا در کتاب مقدس آمده است. نمی‌شود روشن‌تر از آنچه هم اینک قرائت می‌کنم، مسائل را بیان کرد. بسیاری از دوستان گرامی من اینجا حضور دارند که عضو تشکّل و فرقه‌ای هستند، منظورم این نیست که شما ضدّ مسیح هستید. من شما را چنین نمی‌خوانم. اما در پس همه چیز، گفتنی است که شیطان به گونه‌ای این امر را تحریف کرده که حتماً نشانه‌ای از گروه مربوطه داشته باشید در غیر این صورت حتی به شما اجازه‌ی ایراد موعظه هم نخواهند داد.

همین امر در مورد امت‌ها، به بیانی غیریهودیان هم صدق می‌کند. پیداست که هر انسانی به قومی یا ملتی تعلق دارد. باید جایی به قومی یا ملتی تعلق داشته باشید، همچنین باید آمریکایی، آلمانی یا چیز دیگری باشید. پس چنانکه ملاحظه می‌کنید، مسئله‌ی تحریف فراگیر است.

۶۱ خوب، یک مسیحی از نوزاده‌شده واقعی به شکلی سرگردان است. از دید دنیا مرتد است. ولی از دید خدا گرامی است. دوست دارم فرصت داشتیم تا به عبرانیان ۱۱ می‌پرداختیم، و به جنگجویان ایمان نگاهی می‌انداختیم. اینکه چگونه ابراهیم خروج کرد و آشکارا خویشتن را شخصی بیگانه و غریب خواند، به گفته‌ی او این دنیا سرایی گذرا بیش نبود، فضایی که در آن سرگردان بود. ابراهیم در واقع در پی شهری بود که معمار و سازنده‌اش خدا بود. «و اگر در مسیح مرده باشیم از ذرّیت ابراهیم هستیم و

از طریق وعده میراث خدا هستیم.» و این مسئله چه پیامدی در موقعیت ما خواهد داشت؟ غریب و سرگردان خواهیم بود.

۶۲ بنی اسرائیل از مصر خروج کرد. موآب هم بود، موآب کشوری بزرگ و سر و سامان یافته بود. عیسو هم بود، کشور بزرگ و سرزمین سر و سامان یافته. و اینک بنی اسرائیل هم بود که از راه رسید که از هر گونه تعلق فرقه‌ای آزاد بود. هر دوی آنها از نظر اصولی مطابق کلام عمل می‌کردند. به یاد داشته باشید بلعام همان قربانی را تقدیم کرد که قوم اسرائیل تقدیم می‌کرد، او پیرو حکم خدا هفت مذبج داشت. هفت قربانی پاک، هفت قوچ و از آمدن آن یگانه عادل صحبت می‌کرد. از نظر اصولی هر دو درست بودند، اصول را بازگو می‌کردند. اما بلعام از دیدن امری فرومانده بود، او از دیدن آن امر مافوق‌الطبیعی در میان بنی اسرائیل، آن گروه فرافرقه‌ای عاجز بود. آنها جایی برای رفتن ندارند، آنها سرگردان هستند اما همچنان به سلوک خود ادامه می‌دهند.

۶۳ امروز کلیسای خدا نیز این چنین روزگار می‌گذراند. از نگاه معیارهای دنیوی تشکل‌پذیر نیست. یکپارچه است آنچه ماهی یکپارچگی و پیوند کلیسای خدای زنده می‌شود ریسمانی از جنس تشکل نیست بلکه از برکات قدرت روح عیسی مسیح و رشته‌ی محبت است.

۶۴ یک متدیست و یک باپتیست با رسیدن به هم، بر شانه‌ی یکدیگر زده، می‌گویند: «برادر عزیزم!» با اینکه برای آنها روشن است که اگر با یکدیگر هم رأی نباشند، نمی‌توانند همگام شوند.

مردم می‌پرسند: «آیا شما مسیحی هستید؟»

۶۵ «من باپتیست هستم.» این اصلاً و ابداً پاسخ آن پرسش نیست. «من مسیحی هستم؟ من پنطیکاستی هستم.» این پاسخ آن پرسش نیست.

۶۶ اگر مسیحی هستید، اگر پیرو مسیح هستید وجودی از نو تولد یافته هستید. شما در پادشاهی سرّی خدا هستید. نگاه شما معطوف به امور دنیای کنونی نیست بلکه بر امور آن سرای برین. و همان‌جا در فضای کلیسا جا می‌گیرید. در واقع منظور از کلیسا همین است. پس کلیسا یک تشکل نیست، به هیچ روی به یک تشکل تبدیل نخواهد شد. این گفته‌ی مرا آویزه‌ی گوش خود سازید. کلیسای خدای زنده به هیچ روی نمی‌تواند گروه یا محفلی خاص باشد. هیچ تشکل‌پذیر نیست. باید آن بدن سرّی باشد، [اینجا] سخن از روح‌القدس است. اگر فرصت داشته باشیم در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت.

۶۷ حال، آیا ملاحظه می‌کنید منظور از کلیسا چیست؟ کلیسا در واقع مجموعه افرادی «فراخوانده شده به خروج» است، به بیانی «برون‌خوانده‌شدگان». سخن از فراخوانده‌شدگانی است که تنها پادشاه اعظم ملکوت مسیحایی بر آنان فرمانروایی می‌کند. مگر فوق‌العاده نیست؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] این امر برای من دلنشین است. هنگامی که امروز آن را می‌خواندم... و در آنجا گفته شده بود: «پادشاهی، شهریاری مسیحایی»، نویسنده در توضیح نوشته بود «شهریاری

مسیحایی». باز پیرو توضیح نویسنده، «کلیسای خدای زنده هرگز رنگ تشکّل به خود نگرفته است. تشکّل به بیانی پدیده‌ای تطابق یافته، تصویب شده به جهت جایگزینی است.»

۶۸ تمام آموزه‌های دروغین به همین ترتیب به جهت جایگزینی آموزه‌های راستین مطرح شده‌اند. از همین رو آن زن در دست خود پیاله‌ای پر از نجاسات خبائث خود داشت. حال متوجه می‌شوید که این ادعای مطرح شده‌ی من نیست... پنطیکاستی‌ها به همان اندازه مقصر هستند که کاتولیک‌ها یا زائران مقدس یا ناصری‌ها یا بابتیست‌ها یا متدیست‌ها. اما با این حال خدا در همه‌ی این کلیساهای فرقه‌ای فرزندان دارد. سخن از افرادی است که به این ملکوت سّری تعلق دارند. تنها چیزی که منتظرش هستند این است که ببینند/امری رخ می‌دهد، و همان امر قلب آنها را به سوی خویش برخواهد کشید. امشب بسیار خوشحالم از اینکه می‌دانم آن افراد از شرق تا غرب، شمال و جنوب می‌آیند و فارغ از هر قید و بند، چشم دوخته به بازگشت فرخنده‌ی خداوند، او را [پرستش می‌کنند. کتاب مقدس می‌گوید آنها در روزهای واپسین چنین خواهند کرد. این سراسر درست است. و در این خصوص آمده است: «آنها از مشرق تا مغرب، شمال و جنوب در طلب کلام حقیقی خداوند تکاپو خواهند کرد؛ قحطی خواهد بود، نه به جهت نان و آب بلکه به جهت شنیدن کلام خدا.»

۶۹ از شما می‌خواهند «بیایید به/این بپیوندید. بیایید به/این ملحق شوید.» در ملکوت خدا هیچ امری نیست که به ملحق شدن در آن، به عضویت در آن فراخوانده شده باشید. در ملکوت خدا چیزی وجود ندارد که شما به آن بپیوندید. راهیابی به اقلیم ملکوت خدا از راه تولد از جنس یک تجربه است و نه از جنس یک آیین عضویت. خوب، تا یک دقیقه‌ی دیگر بیشتر موضوع را واکاوی خواهیم کرد. در همین راستا نگاهشده‌های مقدس دیگری را یادداشت کرده‌ام.

۷۰ حال بیایید به مطلب دوم بپردازیم زیرا قصد داریم مطالب را یک به یک بررسی کنیم. چه کسی این بدن سّری را بنا نهاد؟ بانی آن کیست؟ خود عیسی مسیح. و آن... او سرّ این بدن سّری است. او پادشاه آن است، پس خواست خود را در قلمرو خویش جاری می‌سازد. سخن از نظارت اسقفی یا نظارت شورایی کلیسایی نیست بلکه در اینجا از پادشاهی سخن به میان می‌آید که خود مسیحا می‌باشد. او در قلمرو خود کار می‌کند. از چه زمانی این روند آغاز شد؟ در پنطیکاست. نه تشکّل پنطیکاستی بلکه تجربه‌ی پنطیکاست. از همان زمان در شما شروع شد. او از بازگشت خود سخن گفت. او گفت چه اموری رخ خواهد داد. او ظهور آن امر فرخنده را اعلام کرد.

۷۱ حال به سراغ لوقا باب ۲۴، آیه ۴۹ برویم و این بخش را در نظر بگیریم. با قرائت چند نگاهشده‌ی مقدس آغاز می‌کنیم تا عزیزان امکان یادداشت کردن و نوشتن داشته باشند. گفته‌ی او در لوقا ۴۹:۲۴ را خواهیم دید.

و اینک، من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوّت از اعلی آراسته شوید.

۷۲ آری، او ظهور کلیسایی در آینده و به همین ترتیب ظهور یک پادشاهی را وعده فرموده بود. حال به اعمال ۸:۱ برویم. اینک جای یادآوری است که او در متی ۱۸:۱۶ گفته بود کلیسای خود را «بر روی یک صخره» بنا خواهد کرد «و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.» در خلال بررسی موضوعات دیگر، برای دقایقی به همین مسئله خواهیم پرداخت. اعمال ۸:۱.

لیکن چون...روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم...تمامی یهودیه...سامره و تا اقصای جهان.

۷۳ سخن از برپایی ملکوت شاهدان است؛ شاهدان رستاخیز، شاهدان قدرتش، شاهدان او، [آگواهان] زنده بودنش. «شما شاهدان من هستید.» پس این همان اعمال ۸:۱ است.

۷۴ محض اطلاع عزیزانی که یادداشت می کنند، می شود باز در همین راستا افسسیان باب ۱ آیه ۲۲ را منظور کرد. مطالب یادداشت شدنی بسیار است ولی تنها قصد داریم آن نکته را نشان دهیم و اطمینان داشته باشیم که شما...آن را متوجه شدید. بسیار خوب. آیه ۲۲ از باب ۱ افسسیان.

و همه چیز را زیر پای های او نهاد (منظور مسیح است) و او را سر همه چیز به کلیسا داد.

که بدن اوست یعنی پری او که همه را در همه پر می سازد.

۷۵ پس چه کسی این کلیسا را برقرار کرده است؟ عیسی مسیح. در اینجا از جناب اسقف، مجمعی انسانی، پاپ و به همین ترتیب از نیروی ساخته پرداخته ی بشر سخن به میان نیامده است، ابتدا. اما عیسی مسیح در همین خصوص صحبت کرد، به گفته ی او این ملکوت اوست که نیرومندان ظهور خواهد کرد. «بعضی در اینجا...» باب ۱۶ انجیل متی. «هرآینه به شما می گویم که بعضی در اینجا حاضرند که تا ملکوت خدا که در قدرت می آید را نبینند، ذائقه ی موت را نخواهند چشید.» درست چند روز پس از آن سخن، او مصلوب شد و روح القدس فرود آمد. «بعضی در اینجا حاضرند که تا ملکوت خدا که در قدرت می آید را نبینند، ذائقه ی موت را نخواهند چشید.»

۷۶ یهودیان از او پرسیدند: «آیا در همین زمان ملکوت را برقرار خواهی کرد؟»

۷۷ گفت: «بر شما نیست که از هنگام یا روزگاری که خدا در اندیشه ی خود تعیین کرده، آگاه شوید. اما شما نیرویی دریافت خواهید کرد.» اعمال باب ۱، «هرگاه روح القدس بر شما قرار گیرد، قوت خواهید یافت.» آیا پس از تعیین اسقف، برگزیدن یک واعظ، انتخاب پاپ یا تعیین یک کشیش، قوت خواهید یافت؟ «هرگاه روح القدس بر شما قرار گیرد، قوت خواهید یافت.» این همان شاهی است که مدّ نظر خدا بود، منظور شاهد پس از نزول روح القدس است. نه شاهی که جایگاه اسقفی مرا تأیید کند، نه شاهی که بر جایگاه شبانی من صحه بگذارد. بلکه یک شاهد (چه؟) رستاخیز آن پادشاه اعظم. که همان کلیسای حقیقی خدای زنده می باشد. بسیار خوب.



۷۸ و حین پرداختن به این موضوع، همچنین می‌توانیم کولسیان ۱:۱۷ و ۱۸ را بخوانیم. کولسیان ۱:۱۷ و آیه‌ی ۱۸.

و او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد.

و او بدن یعنی کلیسا را سر است زیرا که او ابتدا است و نخست‌زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود.

۷۹ ولی سر آن کلیسا کیست؟ عیسی مسیح. سخن از چگونه ملکوتی است؟ ملکوت مسیحایی، کلیسا، نه یک فرقه بلکه یک کلیسا، بدنی سَرّی که مسیح سر آن است. بسیار دوست دارم که در روح بخرامم و فرمان آن پادشاه را به جا آورم. از دید دنیا نادانی محض است ولی از منظر خدا گرانبهاست. خرامیدن و سلوک در روح؛ امری است که به درستی درک نشده است، به آن می‌خندند، آن را به تمسخر می‌گیرند. «همه‌ی آنانی که در مسیح زندگی می‌کنند، از جفاها رنج خواهند برد. اگر به انبیا قبل از شما جفا رسانیدند و صاحب-صاحب خانه را بعزبول خواندند، چقدر بیشتر شاگردانش را چنین خواهند خواند؟» اما شما در روح خرامان هستید، به امور دنیوی پشت کرده‌اید، از هر قید و بندی آزاد شده‌اید. «هرکه پسر او را آزاد کرده باشد، کاملاً آزاد است.» آمین. این کلیسای خدای زنده است. او خود آن را بنا نهاده است.

۸۰ حال ما در اعمال ۱:۸ در مورد شاهدان داریم: «چون روح‌القدس بر شما می‌آید، شاهدان من خواهید بود.»

۸۱ کلیسا چیست؟ بدن سَرّی عیسی مسیح. بانی کلیسا کیست؟ خود خداوند عیسی مسیح. پس در رُم پایه‌گذاری نشد. و به همین ترتیب در انگلیس به دست جان وسلی پایه‌گذاری نشد. بنای کلیسا نه مربوط به کالوین است نه در آمریکا شکل گرفته است، جان اسمیث در میان بپتیست‌ها هم بانی آن نیست. در کالیفرنیا هم به دست پنطیکاستی‌ها پایه‌گذاری نشد. کلیسا به دست عیسی مسیح پایه‌گذاری شد، به بیانی به دست همان پادشاه ملکوت مسیحایی. بنیانگذار کلیسا خود اوست. او پادشاه است. و می‌خواهد خود پادشاه باشد، بر ما سلطنت کند و خداوند باشد.

۸۲ مردم به او اجازه‌ی ورود می‌دهند، می‌گویند: «می‌گذارم که او نجات‌دهنده باشد.» ولی فراتر از آن اجازه نمی‌دهند که او خداوند باشد. واژه‌ی خداوند «مالکیت و فرمانروایی» را می‌رساند. «خداوندا، وارد قلب من شو و مرا از جهنم نجات بده، اما برای من تعیین تکلیف نکن، به من نگو چه کنم.» این خصوصیت مردم است. چرایی این امر را باید همین‌جا جستجو کرد. پس با این توصیف هیچ جای شگفتی نیست که کتاب مقدس می‌گوید: «تمام سفره‌ها از قی پر شده است.» می‌دانید قی چیست. «چنانکه سگ به قی خود بازمی‌گردد.» درباره‌ی این تشکّل‌ها گفتنی است که چنانچه این روش از آغاز کارساز نشد و خدا مجبور شد آنها را قی کند، پس بازگشت به آن همان و قی شدن همان. او فرمود: «کاش که گرم بودید یا سرد. زیرا ولرم هستید. شما را از دهان خود قی خواهم کرد.» شما باعث شدید دل خدا به درد آید و او ما را قی خواهد کرد.

۸۳ به من تشکلی را نشان دهید که فرو افتاده و دوباره بلند شده باشد. در تاریخ به من نشان دهید که یکی باز بلند شده باشد. فردی با خدمتی پیدا می‌شود و خدا او را برکت می‌دهد. دیری نمی‌پاید که از راه خود برمی‌گردد و میان مردم سر در می‌آورد و تشکلی به راه می‌اندازد و همان‌جا برکت را منقطع می‌سازد. به تاریخ بنگرید و یکی را پیدا کنید که باز بلند شده باشد. یکی هم نیست زیرا روح ضد مسیح در میان مردم حضور دارد.

۸۴ این فضای موسی را تداعی می‌کند، آنها در طلب چیزی بودند که خود می‌توانستند انجام دهند. «خداوند، امسال اعضای بسیاری داریم.» خوب، تعداد اعضای شما چه امتیازی دارد؟ پس به شمار اعضای کلیسا نگاه نمی‌کنیم بلکه به اعضای بدن مسیح که در فضای ملکوت خدا متولد می‌شوند «نه به خواست انسان بلکه به اراده‌ی خدا» نه با روح انسان یا از راه تدبیر انسانی.

۸۵ پولس گفت: «به هیچ روی با حکمت انسانی نزد شما حاضر نشده‌ام. با روح خدا و قدرت رستاخیزش نزد شما حاضر شدم تا ایمان شما بر حکمت و فهم انسانی نباشد بلکه در قدرت رستاخیز عیسی مسیح.» او با همین سلاح حاضر شد. خدا ما را مدد کند تا ما هم به همین سان عمل نماییم.

۸۶ حال، قصد نداریم برای هر یک از پرسمان‌ها زمان درازی صرف کنیم. اکنون می‌خواهیم به این پرسمان بپردازیم: پیغام کلیسای مسیح چیست؟ این کلیسا باید چه چیز را تعلیم دهد؟ پیغام الهی چیست؟

به زعم من اولین پیغامی که این کلیسا (بدن سرّی) تعلیم می‌دهد، توبه است. بیایید برای دقایقی به لوقا ۲۴ نگاهی بیندازیم. لوقا باب ۲۴. گام آغازینی که کلیسا باید انجام دهد همان توبه است و باید توبه را تعلیم دهد. خوب، فضا همان زمان عیسی است، این باب آخر است، او در حال ترک زمین بود. لوقا ۲۴:۴۶، بیایید با آیه‌ی ۴۶ شروع کنیم.

و به ایشان گفت، بر همین منوال مکتوب است و بدین طور سزاوار بود که مسیح زحمت کشد و روز سوم از مردگان برخیزد.  
و موعظه به توبه و آمرزش گناهان...

خوب، می‌خواهم این مسئله خوب در ذهن شما جا بیفتد چون ظرف چند دقیقه‌ی دیگر به مطلبی خواهم پرداخت که با آن پیوند تنگاتنگی دارد، منظور «آمرزش گناهان» است.

...و از اورشلیم شروع کرده، موعظه به توبه نزد خدا و آمرزش گناهان در همه‌ی امت‌ها به نام او کرده شود.  
و شما شاهد بر این امور هستید.

۸۷ این همان پیغام کلیساست که ایفاگر نقش شاهد پیغام می‌باشد. باید توبه و آمرزش گناهان در همه‌ی امت‌ها موعظه شود، این امر از اورشلیم آغاز می‌شود. جلال بر خدا!

پس کجا روند تشکّل‌سازی آغاز شد؟ در اورشلیم؟ خیر آقا، در رُوم. چه چیزی از اورشلیم آغاز شد؟ تعمید روح‌القدس؛ تعمید در نام عیسی به جهت آموزش گناهان؛ توبه‌ای که افراد را به خدا سوق می‌دهد. این امر از اورشلیم آغاز شد و باید به همه‌ی ملت‌ها برسد. هلولیا! آن را درک می‌کنید؟ نگاهشده‌های مقدس می‌گویند: «سزاوار بود که مسیح زحمت کشد.» او همان کسی است که نبی در موردش سخن گفته بود. کتاب مقدس سراسر پیرامون اوست، همه چیز در کتاب مقدس به او عطف می‌شود. پس بی‌گمان می‌دانست چگونه باید تعلیم دهد. از این رو گفت: «از اورشلیم شروع کرده، موعظه به توبه و آموزش گناهان در همه‌ی امت‌ها کرده شود.»

تشکّل‌سازی در رُوم آغاز شد. کلیسا، آن تشکّل در رُوم شروع شد، از طریق مارتین لوتر به آلمان رسید، از طریق وسلی به انگلیس، به خاطر جان اسمیث به ایالات متحده و به همین ترتیب از پنطیکاست به کالیفرنیا راه یافت.

ولی برعکس، آغاز و پیدایش کلیسا به اورشلیم برمی‌گردد. «توبه‌ای که افراد را به خدا سوق می‌دهد و همچنین تعمید در نام عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان از اورشلیم آغاز شد. و باید...» او گفت: «باید». نگفت به همه‌ی آنها خواهند رسید. «باید آغاز شود. باید به سراسر دنیا برسد. باید به آن موعظه شود.» ولی شگفتا که کمتر دیده می‌شود. اما با این حال، این همان پیغام الهی است، این همان پیغام کلیسای [خداست]. به من کلیسایی نشان دهید که آن امر الهی را تعلیم می‌دهد. به من نشان دهید آن کلیسا کجاست؟ یافت نشدنی است.

۸۸ پس، عیسی همان پادشاه است، این پیغام دوم است. عیسی پادشاه است و تا ابد زنده است. متی ۲۸:۲۰. عیسی پادشاه است و تا ابد زنده است. کلیسا باید این را تعلیم دهد. متی ۲۸:۲۰.

و ایشان را تعلیم دهید که همه‌ی اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.

۸۹ درست است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف.] عبرانیان ۱۳:۸، «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالابد همان است.» این همان پیغام کلیساست: انجام کار او، اثبات رستخیز او و شهادت دادن.

حال، اعمال ۵:۳۲، جایی است که مصداق یا عدم مصداق این مسئله را در جمع آنها می‌بینیم. به اعمال باب ۵ آیه‌ی ۳۲ نگاه می‌کنیم.

و ما هستیم شاهدان او بر این امور چنانکه روح‌القدس نیز است که خدا او را به همه‌ی مطیعان او عطا فرموده است.

۹۰ پس پیداست باید شاهد او بود. او در یوحنا ۱۴:۱۲ در آن باره تعلیم می‌دهد و کلیسا باید همان را انجام دهد. در یوحنا باب ۱۴...آیه‌ی ۱۲ گفته‌ی او را می‌بینیم. یوحنا ۱۴:۱۲، خوب آن را می‌خوانیم تا به موضوع رسمیت ببخشیم. بسیار خوب. یوحنا باب ۱۴ و آیه‌ی ۱۲.

آمین آمین به شما می‌گویم هر که به من ایمان آرد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد زیرا که من نزد پدر می‌روم.

۹۱ این پیغام همان کلیساست «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالابد همان است.» او در کلیسا زندگی می‌کند، پادشاه کلیساست و از میان مردگان برخاسته است. «دیروز، امروز و تا ابدالابد همان است.» آنها همان کارها، همان امور که عیسی انجام داد را انجام می‌دهند. در واقع، این پیغام کلیساست. چنانچه این امر در تعلیم کلیسا جا نداشته باشد، کلیسا در واقع مثنی‌الهیات نادرست تعلیم می‌دهد. عیسی به آنها حکم کرده بود که از آن موعظه کنند.

۹۲ دیگر چه خواهد بود؟ از کجا بدانیم که این افراد... می‌گویند: «خوب، ایماندار هستم.» بیایید به چپستی واپسین دستور او به کلیسای خود، به ایمانداران دقیق شویم، مرقس ۱۶. باب ۱۶ مرقس را باز کنید و خواهیم دید که آخرین پیغام او خطاب به کلیسایش چه بود، و باز خواهیم دید که آیا ما هم دستور و رسالت او را پیروی می‌کنیم یا نه. مرقس ۱۶، بیایید از آیه ۱۴ شروع کنیم.

و بعد از آن بدان یازده هنگامی که به غذا نشسته بودند ظاهر شد، پس از رستخیزش بود...

۹۳ اینک اینجا تشریحی از رسالت کلیسا را داریم، دقت کنید، سخن از آخرین مأموریت است. خود را محک بنزیم که آیا ایماندار هستیم یا آیا در کلیسا هستیم یا خیر.

و بعد از آن بدان یازده هنگامی که به غذا نشسته بودند ظاهر شد و ایشان را به سبب بی‌ایمانی و سخت دلی ایشان توبیخ نمود زیرا به آنانی که او را برخاسته... دیده بودند، تصدیق نمودند.

۹۴ کسی او را دیده بود. کسی می‌کوشید در آن باره سخن بگوید ولی باورش نمی‌کردند. مگر امروزه نیز چنین نیست. می‌دانیم که او زنده است، شهادت روح‌القدس را در خود داریم. کار نیروی او در میان حضا و ده‌ها هزار نفر را می‌بینیم، سخن از تشخیص افکار-نیت قلب‌های مردم است درست مانند آنچه او هنگام حضور خود بر روی زمین انجام می‌داد. همان‌طور که کتاب مقدس از «کلمه‌ی خدا» می‌گوید و او خود همان کلمه‌ی خداست. «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود. و کلمه جسم شد و میان ما ساکن شد.» «کلام خدا تیزتر و برنده‌تر از شمشیر دو لبه است و گوشت را از استخوان جدا می‌سازد و ممیز افکار و نیت‌های قلب است.» [این هم عین گفته‌ی] خود مسیح است «کارهایی که من می‌کنم شما نیز خواهید کرد.» پس کارهای او را می‌بینیم. چند نفر دیده‌اند که او چه اعمالی انجام داد؟ [جماعت می‌گوید: «آمین.»]- گروه تألیف. قطعاً. می‌دانیم که او همان کارها را انجام می‌دهد. مسیح اینجا زندگی می‌کند. مسیح در قلب‌های ماست.

۹۵ مردم به آن امر الهی ایمان نداشتند. مردم آن روزگار باورش نکردند. اکنون هم باز باور نمی‌کنند. البته ایمان دارند که «او مُرد و این تمامش است. بنابر رویدادی تاریخی

کسی سال‌ها پیش قیام کرد و کلیسایی را بنا نهاد و کاتیشیزی نوشت که ما به آن التزام داریم.» این رویکرد دنیای غیر کتاب مقدسی است. درست است! خالی از حقیقت است. من نمی‌گویم «حقیقت» است، چه بسا آن مرد واقعاً این کار را کرده باشد. چه بسا آن مرد بسیار صادق هم باشد. اما به این شیوه کلیسا را راهبری نمی‌کند. چنین رویکردی با خواست الهی سازگار نبوده است.

۹۶ هنگامی که مردم برای خود پادشاهی خواستند، سموئیل آنها را خواند و این سخنان را بیان کرد. گفت: «از شما چیزی بپرسم. آیا تا به حال شما را ناامید کرده‌ام؟ آیا تا به حال از شما پول خواسته‌ام؟ آیا تا به حال شده که چیزی در نام خداوند به شما گفته باشم و درست نبوده باشد؟ خداوند نمی‌خواهد که شما پادشاه داشته باشید. او می‌خواهد خود پادشاه شما باشد.»

۹۷ گفتند: «سموئیل، تو درست می‌گویی. تو نبی خوبی هستی. تو جز حقیقت چیزی به ما نگفته‌ای. تو هرگز از ما پول طلب نکرده‌ای. این امور حقیقت هستند. اما می‌خواهیم مانند دیگران باشیم. در هر صورت ما پادشاه می‌خواهیم.»

۹۸ سموئیل گفت: «این مسئله برای شما سختی و مشکلات به وجود خواهد آورد. این... او دختران و پسران شما را خواهد گرفت. پادشاه با کارهای خود آنها را به تباهی سوق خواهد داد. آن کارها را خواهد کرد.» پادشاه هم همین کار را کرد. با این حال باز مردم پادشاهی برای خود می‌خواستند.

۹۹ امروز نیز به همین ترتیب است. ما باید حتماً برچسب یک نام را به خود بزنیم. هرگاه مردم از ما می‌پرسند، باید چنین پاسخ دهیم: «ما متدیست هستیم، باپتیست هستیم.» فقط بگویید مسیحی هستید، این درست است. «مانند مسیح». با اینکه او از مردگان برخاسته بود، باز باور نمی‌کردند.

پس بدیشان گفت (به این مأموریت مهم توجه کنید) در تمام عالم بروید...

سخن از چه بخشی از دنیاست؟ [جماعت می‌گویند: «تمام.» - گروه تألیف.] «من فکر می‌کردم، تنها سخن از اورشلیم است.» فردی مدعی شد: «این آیات تنها اورشلیم را دربرگرفت.»

...در تمام عالم بروید و به انجیل موعظه کنید...

۱۰۰ چند نفر می‌دانند که انجیل یعنی چه؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] به اعلام «کلام» محدود نمی‌شود. [برادر برانهام به کتاب مقدس خود دست می‌کشد.] به گفته‌ی پولس: «بشارت (انجیل) تنها به کلام بر ما نیامد بلکه به قدرت و تجلی روح القدس.» انجیل قوت خداست تا آنچه کلام گفت که جاری خواهد ساخت را محقق سازد.

«در تمام عالم به انجیل موعظه کنید.» انجیل را تنها به سفیدپوستان موعظه کنید یا تنها به سبزه‌پوستان، زردپوستان یا تیره‌پوستان؟  
...جمعیت خلاق.

۱۰۱ آمین. «جمع خلائق.» آیا ایمان دارید که منظور همین است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] روزی دیدم چگونه خدا گاو نری را رام کرد. دیدم چگونه دسته‌ای زنبور سرخ را از نیش زدن بازداشت. دیدم چگونه یک ساریگ بی‌جان که سراسر شب آنجا افتاده بود، را زنده کرد. «جمع خلائق.» انجیل بر هر آنچه که می‌طلبید، تأثیر دارد.

می‌گویید: «برادر برانهام این اشتباه است.» این اشتباه نیست.

۱۰۲ عیسی به آن درخت گفت، «نفرین بر تو. دیگر هیچ کس از میوه‌ی تو نخواهد خورد.» بشارت به درخت هم اعلام شده بود. آمین. چه زیبا! اکنون حسی روحانی به من دست می‌دهد.

«به جمع خلائق.» آمین. آن را به چه موعظه کنید؟ «به جمع خلائق.» ای کاش برای پرداختن به این امور زمان داشتیم.

حال، هر که ایمان داشته باشد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت...

«من ایمان دارم و تعمید گرفته‌ام.» عالی است. خوب است. بسیار خوب است.

آنکه ایمان آورد و تعمید گیرد نجات خواهد یافت... هر که ایمان دارد خجل نخواهد شد.

۱۰۳ «من خوشحالم، من ایماندارم.» یک دقیقه صبر کن. «و»؛ «و» یک حرف ربط است که جمله‌ها را به یکدیگر ربط می‌دهد.

و این آیات...

به گمانم شما به آیات ایمان نداشتید. این عین سخن خود عیسی است. پس با خود او بحث کنید.

این آیات همراه ایمانداران خواهد بود (نه اینکه «شاید، گاهی از آن

برخوردارند.»)... آنها همراه ایمانداران خواهد بود...

۱۰۴ حال خواهیم دید که آیا ایمان دارید یا خیر، خواهیم دید که آیا تشکّل شما ایمان دارد یا ندارد. چه بسا آنها بگویند که ایمان دارند. عیسی گفت: «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» خوب، آنها این آیات را انکار می‌کنند.

این آیات همراه ایمانداران خواهد بود؛ (تا چه حدی؟) که به نام من

دیوها را بیرون کنند...

۱۰۵ و شگفتا با این حال شما کلیساها به شفای الهی ایمان ندارید! این سخنان ضبط می‌شود، شما درک می‌کنید. روی سخن من تنها با شما نیست. دیگران نیز آن را خواهند شنید. ادعا می‌کنید که به خدا ایمان دارید و به رسالت ایمان دارید و اینکه کلیسای شما رسالت یافته تا انجیل را اعلام کند؛ اولین چیز شفای الهی است.

هنگامی که عیسی شاگردان خود را فرستاد، نخستین سخن او به آنها، از چه قرار بود؟ متی ۱۰:۱ «بیماران را شفا دهید، دیوها را اخراج کنید.» واپسین سخن عیسی به کلیسای خود، از چه قرار بود؟ «بیماران را شفا دهید، دیوها را اخراج کنید.» الف و

یاء؛ بنیامین و روبین؛ ابتدا و انتها؛ او که بوده، هست و خواهد آمد؛ ستاره‌ی درخشنده بامدادی؛ ریشه و نسل داود. هلولویا! این خود اوست. بله، آقا.

و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند.» آیات تنها در اورشلیم باید انجام می‌شد؟ «در تمام عالم و به جمیع خلائق.» مگر این از کتاب مقدس نیست؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف.] در کتاب مقدس چنین آمده است. این پیغام کلیسا است. «بشارت انجیل در تمام عالم، به جمیع خلائق. این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.»

...که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبان‌های تازه حرف زنند.

۱۰۶ و شما ناصری‌های بینوا که از آنها به عنوان دسته‌ای مردم «لسانی» یاد می‌کنید. حتی حاضر نیستید در فضای یک کلیسا با آنها همنشین باشید. مگر وحشتناک نیست؟ پس هنگام رسیدن به آسمان، چه کار خواهید کرد؟ عیسی هنگام مرگ خود به زبان‌ها سخن گفت. مردم گفتند: «او سخن می‌گوید، او به زبان دیگری صحبت می‌کند.» قطعاً. او چنین کرد. «او به عبری سخن گفت.» او در اینجا به عبری سخن نگفت. این عبری نوشتاری نیست. به زبان‌های آسمانی سخن گفت.

۱۰۷ وقتی که-زمانی که هابیل برّهی خود را بر روی صخره تقدیم کرد، در حالی که آن برّهی جان می‌داد، او داشت گلپوش را می‌برید. این نمونه‌ای از مسیح است، در روزگاری بسیار دور، در باغ عدن، برّهی کوچکی بود که هنگام جان دادن به زبان دیگری ناله می‌کرد. این در حکم یک نمونه است، در آن حال که پشمش به خون آغشته شد، غرق خون خود شده بود. این نمونه‌ای از پسر خداست که در جلجتا آویخته شد، به خاطر گناهان ما قطعه قطعه شد و هنگام مرگ به زبان دیگری سخن گفت. «الهی الهی مرا چرا ترک کردی؟»

۱۰۸ این همان پیغام کلیساست. «به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبان‌های تازه حرف زنند.» این گفته‌ی خود اوست. این پیغام کلیساست. این همان چیزی است که کلیسا باید پیرو حکم او انجام دهد. «خراج دیوها؛ آنها به زبان‌های تازه حرف زنند.»

و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند و هرگاه... دست‌ها بر مریضان گذارند... شفا خواهند یافت.

۱۰۹ این همان رسالت کلیساست. به سخنی این همان کلیسای باورمند است.

آیا نزد متدیست‌ها، باپتیست‌ها، مشایخی‌ها، کاتولیک‌ها، لوتری‌ها، ناصری‌ها، زائران مقدس، چنین تعلیمی داده می‌شود؟ [جماعت می‌گویند: «خیر.» -گروه تألیف.] آنها این تعلیم را رد می‌کنند. جلال بر خدا! چرا؟ آنها قالب تشکّل به خود گرفته نمی‌توانند این تعلیم را ارائه دهند. اعضای بسیاری در آنجا هستند که به این امر ایمان دارند اما نمی‌توانند درباره‌اش سخن بگویند، زیرا رانده خواهند شد. این روح ضدّ مسیح است که آن را به تشکّل‌پذیری سوق داده است.

کلیسای خدای زنده آزاد، از روح‌القدس زاده شد، نیاز به هیچ فرقه‌ای ندارد. آنها پیروان پادشاه ملکوت مسیحایی هستند. به گفته‌های دیگران اهمیتی نمی‌دهند. آزاد

متولد شده‌اند، به دست پسر انسان آزاد شده‌اند و همین امر در حکم آزادی واقعی است. این آیات همراه آنها خواهد بود.

۱۱۰ این انجیل اعلام خواهد شد. چه کسی آن را اعلام خواهد کرد؟ خدا قادر است جاهلان را برگیرد. خدا قادر است از سنگ‌ها، فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند. خدا می‌تواند هر آنچه می‌خواهد را انجام دهد. او خداست، و این همان ترتیب کار خدا در هر موردی است. او هنگام ظهور خود، قیفا را فرخواند. هیچ کاهنی را فرخواند. به هیچ عنوان یک الهیدان را فرخواند بلکه ماهیگیران، چوپانان، اشخاص بی‌علم و آمی را به کارگیری کرد. به گفته‌ی کتاب مقدس «پطرس و یوحنا هر دو بی‌علم و آمی بودند.» ولی با این حال ملکوت خدا را به آنها داد، از طریق آنها کار کرد و این امر خود در چشمان و اذهان فرزندگان و قدرتمداران مایه‌ی سردرگمی شد. «دانستند که آنها بی‌علم و آمی هستند پس به آنها محرز شد که آنها از همراهان عیسی بودند.» چرا؟ زیرا آنها روح عیسی را بر خود داشتند. عملکردشان عیسی را تداعی می‌کرد. کارهایی را به جا می‌آوردند که او به جا می‌آورد. این دقیقاً همان چیزی است که به گفته‌ی او رخ خواهد داد، این در واقع همان پادشاهی مسیحایی است. چقدر بابت این امور خوشحالم. «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» قطعاً. این آیات همراه آنها خواهد بود.

۱۱۱ حال، مورد دیگری که کلیسا تعلیم می‌دهد، شفای الهی است، این پیغام کلیساست. هم اینک متی باب ۱۰ را نقل کرده‌ام، او آنجا کلیسای خود را فرستاد. بیا بید برای یک دقیقه به متی ۱۰:۱۰ نگاهی بیندازیم و موضوع روشن خواهد شد. به آنچه عیسی هنگام پایه‌گذاری و بنا کردن کلیسای خود گفت، نگاه کنیم.

و...دوازده شاگرد خود را طلبیده، ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد که آنها را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا دهند.  
نخستین رسالت کلیسای او.

۱۱۲ آخرین حکم رسالت از این قرار است، «در تمام عالم بروید، به انجیل موعظه کنید. آنکه ایمان دارد، تعمید گیرد.» بگذارید این را به صورتی که باید باشد، نقل کنم، به تربیتی که روشن باشد. «در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید، قدرت روح‌القدس را بنمایانید. هر که پذیرای آن امر باشد، تعمید یافته رستگار خواهد شد. هر که ایمان نیابد بر او حکم خواهد شد. این آیات همراه ایمانداران خواهد بود؛ بر مریضان دست خواهند گذاشت و آنها شفا خواهند یافت، دیوها را بیرون خواهند کرد، به زبان‌های تازه سخن خواهند گفت. این آیات همراه آنها خواهد بود.» آیه‌ی واپسین هم چنین می‌گوید:

و ایشان بیرون رفته... خداوند با ایشان کار می‌کرد... به آیاتی که همراه ایشان می‌بود، کلام را ثابت می‌گردانید.

۱۱۳ این همان سبک و روش کلیسای آغازین بود. و گوش کنید، عیسی چنین گفت: «من تاک هستم، شما شاخه‌ها.» و پیداست که چنانچه از تاکی شاخه‌ای بروید و



آن شاخه انگور به بار آورد، بی‌گمان شاخه‌ی روئیده از تاک دقیقاً همان ثمر را به بار خواهد آورد.

۱۱۴ خوب، چه بسا بگویید: «برادر برانهام، خوب، به تمام کلیساهای موجود نگاه کنید.» آنها تاک پیوندی هستند.

مرکبات را می‌شود پیوند زد. می‌توان یک درخت پرتقال را برداشت و یک [شاخه] لیمو بر روی آن پیوند زد و آن رشد خواهد کرد. این کار شماست، انسان چنین پیوند می‌زند. و این تشکلهای نیز چیزی هستند که انسان‌ها پیوند زده‌اند. آن همواره یک لیمو است و بس. رشد می‌کند زیرا برچسب نام کلیسا را بر خود دارد. اما اجازه دهید به شما بگویم اگر خود این درخت شاخه‌ی دیگری بیرون آورد، میوه‌اش یک پرتقال خواهد بود.

و اگر روزی روزگاری قدرت خدا کلیسای دیگری را بیرون آورد، پنطیکاست دیگری محقق خواهد شد. و به تبع آن کتاب اعمال دیگری نوشته خواهد شد، درست است، زیرا این کلیسای خداست.

۱۱۵ عیسی گفت: «من تاک حقیقی هستم. شما شاخه‌ها هستید. نمی‌توانید از خود میوه به بار آورید، من خود را در شاخه می‌ریزم.» و چگونه ثمری به بار خواهد آورد؟ «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.»

۱۱۶ کلیسای دومی که خواهد برخاست، به سخنی همان بدن سرتی مسیح، همان آیات را خواهد داشت. «بعد از اندک زمانی دنیا مرا نخواهد دید. اما شما مرا خواهید دید زیرا من با شما خواهم بود، حتی در شما، در هر شاخه‌ای [از تاک]، تا انقضای دنیا.» عیسی مسیح دیروز امروز و تا ابدالابد همان است. این کلیسای خدای زنده است. این ماهیت کلیسای خدای زنده است. [کلیسای خدای زنده] چنین شاهدانی دارد.

۱۱۷ حال، کلیسا همچنان باید تعمید را تعلیم دهد. باید تعمید بگیرد. این یک رسالت بود. عیسی اینجا گفت: «هر که ایمان آورد و تعمید یابد.» پس در گام نخست ایمان بیاور سپس جهت آموزش گناهان تعمید بگیر و عطای روح‌القدس را دریافت خواهی کرد.

۱۱۸ «و روح‌القدس بر [شما] قرار خواهد گرفت.» این امر یکی از آموزه‌های کلیسا خواهد بود. این سخن خود عیسی در لوقا ۴۹:۲۴ است. اکنون به پایان این مبحث رسیده‌ایم بنابراین بیا بید به آن نگاهی بیندازیم، یک لحظه، این قسمت آیه‌ی ۴۹. ما آیات ۴۶ و ۴۷ را خواندیم. به آیه‌ی ۴۹ نگاه کنید.

و اینک من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید یا منتظر باشید (ماندن یعنی «در انتظار بودن») تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید.

۱۱۹ چنانچه عیسی به گروهی که سه سال و نیم تمام او را همراهی کرده بودند، اجازه‌ی اعلام انجیل نداد و پیش از انتظار جهت دریافت روح‌القدس نمی‌توانستند مژده‌رسانی

کنند، جا دارد کلیسای امروزی هم همین روش را در پیش بگیرد، به سخنی باید برای دریافت روح القدس صبر کرد.

۱۲۰ چندی پیش اینجا در اورگان با بانویی کاتولیک گفتگو می‌کردم و او گفت: «خوب، نکند منظورتان این است که آن عده سفیه و جاهل که شما آنجا برایشان موعظه می‌کنید و آنها فریاد برمی‌آورند و می‌گیرند و کارهایی از این دست انجام می‌دهند، به آسمان راه خواهند یافت و در آسمان پادشاهی خواهند کرد؟»

پاسخ دادم: «بله، خانم.»

گفت: «خوب، ما به چنین چیزی ایمان نداریم.»

گفتم: «دلیلش این است که شما به کلام خدا ایمان ندارید.»

گفت: «ما ایمان داریم که مریم برای ما شفاعت می‌کند.»

گفتم: «این شرک محض است.»

۱۲۱ مریم به هیچ عنوان الهه نبود. یک زن بود. [می‌گویند] «مادر خدا»، خدا چطور می‌تواند مادر داشته باشد؟ [می‌گویند] «تهیت بر مریم، مادر خدا»، خدا چطور می‌تواند مادر داشته باشد؟ او پسر خدا، عیسی مسیح را حمل کرد. هیچ زنی آفریدگار نیست. زن ذریت مرد را در خود نگه می‌دارد. مرد آفریدگار نیست. خدا پدیدآورنده‌ی زندگی است. این همان ترتیب الهی برای تولد فرزندان است. پس مریم مادر خدا نیست. خدا نمی‌تواند مادر داشته باشد زیرا برای زندگی او آغاز و پایانی متصور نیست. او جاودانه است. پس با این توصیف مریم نمی‌تواند مادر خدا باشد.

۱۲۲ و گفتم: «اگر به شما بگویم که باکره‌ی فرخنده‌ی شما، که از نظر شما الهی است، اگر به شما بگویم که خدا به او اجازه نداد بی‌آنکه مانند آن مردم دیشب رفتار کند، به آسمان راه پیدا کند، چه؟»

او پاسخ داد: «این صحت ندارد.»

۱۲۳ گفتم: «مگر خود شما به من نگفتید که کلیسای کاتولیک کتاب مقدس را نوشت؟ زیرا شما معتقدید رسولان کاتولیک بودند. من در این خصوص اعتراض دارم. تا سیصد سال پس از مرگ آخرین رسول، هیچ کلیسای کاتولیکی وجود نداشت، تا پس از شورای نیقیه، یک برگ از تاریخ به من نشان دهید یا هرآنچه که می‌خواهید، نه از کاتیشیزم خود زیرا آن با تاریخ هماهنگی ندارد. هیچ‌گاه چنین چیزی وجود نداشته است.» اما گفتم: «مریم... بر اساس کتاب مقدس مریم، مادر عیسی مسیح، و دیگر زنان به همراه صد و بیست نفر از پله‌ها بالا رفتند و چنان از روح‌القدس پر گشتند که چون افراد مست تلوتلو می‌خوردند و به زبان‌های تازه سخن می‌گفتند و چنین مستانه رفتار می‌کردند. این عین گفته‌ی کتاب مقدس است.» با انگشت خود آیه را نشان دادم. گفتم: «بفرمایید بخوانید.»

او در پاسخ گفت: «نمی‌خواهم آن را بخوانم. نباید آن را بخوانم.»

۱۲۴ گفتم: «شما صادق نیستید. در اینجا بود که مریم باکره روح‌القدس را دریافت کرد و به زبان‌ها سخن گفت و چون زنی مست تلوتلو خورد. حال، اگر شما به آسمان بروید، نمی‌توانید همنشین مریم باشید زیرا اگر او باید روح‌القدس را دریافت می‌کرد، پس چقدر بیشتر این امر بر شما واجب است!»

۱۲۵ گفت: «اگر من باید با چنین چیزی به آسمان بروم، نمی‌خواهم در آسمان باشم.»

۱۲۶ گفتم: «لازم نیست نگران این مسئله باشید. چنین گمان نکنید، در هر صورت به آسمان نخواهید رفت، مگر اینکه دگرگون شوید. فکر نمی‌کنم که باید نگران این مسئله باشید.» این دقیقاً روح خداست.

۱۲۷ «اکنون، وقتی روح من بر شما قرار گیرد، شاهدان من خواهید بود.» وضعیت حاضر چگونه است؟ چه منظوری داریم؟ از ماهیتش چه می‌توان گفت؟ بانی کلیسا کیست؟ و پیغام او از چه قرار است؟ حال، باید عجله کرد تا بتوان کمی بیشتر پیش رفت.

۱۲۸ چهارمین مورد. چطور می‌توانیم عضو آن بشویم؟ «چگونه می‌توانیم به آن بپیوندیم؟ به چستی آن پی می‌بریم ولی هم اکنون وضعیت چگونه است؟ چگونه می‌توانیم به چنین کلیسایی بپیوندیم؟» به آن نمی‌پیوندید. نمی‌توانید به آن بپیوندید. راهی برای عضویت یافتن در کلیسا وجود ندارد. بلکه در آن متولد می‌شوید. پنجاه و یک سال است که در خانواده‌ی برانهام هستیم، هرگز به این خانواده نپیوسته‌ام، در آن متولد شدم. من یک برانهام متولد شدم. و شما پسر خدا یا دختر خدا متولد می‌شوید.

۱۲۹ بیایید برای یک لحظه به انجیل یوحنا، باب ۳ سری بزینم و فقط ببینیم که خدا در آن باره چه گفته است. چگونه به چنین کلیسایی راه پیدا می‌کنید؟ خدا چه پیشنهادی برای شما دارد؟ یوحنا باب ۳، از ۱ تا ۸.

و شخصی از فریسیان نيقوديموس نام از رؤسای يهود بود.

او در شب نزد عیسی آمده به وی گفت، ای استاد می‌دانیم که... تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای... هیچ کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی بنماید جز اینکه خدا با وی باشد.

عیسی در جواب او گفت... آمین به تو می‌گوییم اگر کسی از سر نو مولود نشود...

... آمین به تو می‌گوییم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.

۱۳۰ چطور می‌توان به درون آن کلیسا راه پیدا کرد؟ با زاده شدن. بیایید پرسشی که در پی آن مطرح شد را بخوانیم.

نيقوديموس بدو گفت، چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟...

چنانکه پیداست چنین رویکرد جسمانی از یک معلم، یک مرد بزرگ، یک کشیش، یک شخص پا به سن گذاشته و کسی که در تمام زندگی خود کتاب مقدس را خوانده، تعجب آور است.

... آیا می‌شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟

حال، آیا این تداعی گر گفتار معلمان روشنفکر امروزی نیست؟

عیسی در جواب گفت... آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب... (چطور می‌توانیم داخل آن شویم؟)... از آب... و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود.

۱۳۱ «آیا غیر از پذیرش عضویت، راهی برای ورود به ملکوت متصور است؟» شما نمی‌توانید به آن پیوندید، نمی‌توانید در آن عضویت پیدا کنید. باید در آن متولد شوید. نه اینکه «بیا و عضو شو.» بیا و متولد شو!

آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است.

عجب مدار که به تو گفتم باید از سر نو مولود گردید.

باد هر جا که می‌خواهد می‌وزد و... تو صدای آن را می‌شنوی لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح مولود گردد.

۱۳۲ ملاحظه کنید، به آن نمی‌پیوندید. امری سرّی است. در بدن سرّی عیسی متولد می‌شود. به این ترتیب به درون آن راه می‌یابید.

اول قرن‌تیان باب ۱۲. کمی جلوتر برویم. تنها چند نکته باقی مانده است. دوست دارم در صورت امکان به آن نکات برسم. اگر تمایل دارید... می‌دانم هوا گرم است اما بیابید برای دقایقی از این بخش شروع کنیم. اول قرن‌تیان باب ۱۲، آیه ۱۳.

«تنها با یک دست دادن، تنها با یک سوگند. سوگند می‌خورم در ایمان از کلیسای اقدس کاتولیک پیروی کنم. بفرمایید به من دست بدهید. ثبت نام کنید. با یک نامه، با یک نامه بیابید؟» شاید این مطلب را در تقویم سالپانه زادروز بانوان روزگار کهن خوانده باشید اما در کتاب مقدس آن را نمی‌خوانید. بله، آقا. بله.

زیرا که جمیع ما به یک روح (پیوستیم، ثبت شدیم؟) در یک بدن (یک تشکل؟) تعمید یافتیم که بدن عیسی مسیح است، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه... از یک روح نشانیده شدیم.

۱۳۳ نه روح متدیست، روح باپتیست، روح پنطیکاست. بلکه «همه‌ی ما با یک روح‌القدس در این چشمه‌ی لبریز از خون تعمید گرفتیم.»

ز خون جاری شده از رگ‌های عمانوئیل، آنجاست که گنهکاران در سیلاب غوطه‌خوران، از لکه‌های جرم و گناه فارغ می‌گردند.

آن دزد بالای صلیب شادمان بود  
از بهر دیدن چشمه در روز [مرگ] خود؛  
شاید همچون آن دزد ناپاک باشم،  
پس تمام گناهانم را بزد.

۱۳۴ سخن از یک بدن است! چگونه به درون آن بدن راه پیدا می‌کنیم؟ خوب، چگونه واردش می‌شویم؟ «ما به یک روح در یک بدن تعمید گرفتیم.» و با وارد شدن در آن بدن، آزادیم و همین امر در حکم تضمینی برای رستاخیز است، «خدا عقوبت گناه ما را بر او گذاشت.» نه از راه «دست دادن» نه با «یک نامه‌ی کلیسایی». بلکه «با یک روح، یهودی، امت‌ها، زرد، سیاه، سفید، همه به یک روح در یک بدن تعمید یافته‌ایم، از راه خون عهد خود او.» «با دیدن خون از شما گذر خواهیم کرد.» و از قید مرگ آزاد هستید، آزادید از قید رنج، آزادید از قید گناه. «هر که از خدا مولود شده است، گناه نمی‌کند زیرا تخم خدا در وی می‌ماند و او نمی‌تواند گناه کند.» خیر آقا.

عیسی فرمود: «کامل باشید چنانکه پدر آسمانی شما کامل است.» چگونه می‌توانیم کامل باشیم؟ توان کامل شدن و رسیدن به آن کمال را ندارید. در گناه متولد شده‌اید، در معصیت شکل گرفتید، مادرزادی دروغگو هستید. اما هنگامی که عیسی را به عنوان کسی که گناهان شما بر دوشش بود، می‌پذیرید، به برکت پذیرش خود عیسی از راه ایمان، باور می‌کنید که او شما را رستگار کرده است، و او به جای شما مرد و گناهان شما را برگرفت آنگاه خدا هم شما را می‌پذیرد و با روح‌القدس در آن بدن تعمید می‌دهد و دیگر هیچ گناهی نمی‌بیند. با وجود کفاره‌ای برای من بر روی قربانگاه، چگونه می‌توانم باز گناهکار باشم؟

۱۳۵ هنگامی که مقررات شهری به من این حق را می‌دهد که با هر سرعتی که می‌خواهم برانم، چطور پلیس می‌تواند مرا در همان شهر دستگیر کند؟ نمی‌توانید مرا بازداشت کنید؟ اگر شهردار بگوید: «کشیش برانهام، شما از بیماران عیادت می‌کنید. در هر منطقه، با هر سرعتی که می‌خواهید برانید.» اگر حکم‌نامه‌ای با چنین مضمونی به من بدهد، هیچ پلیسی نمی‌تواند مرا بازداشت کند. زیرا شهردار به من اعتماد داشته که من چنین کاری نمی‌کنم مگر اینکه موردی فوری پیش آید.

۱۳۶ و هنگامی که خدا مرا پذیرفت و مرا با روح‌القدس تعمید داد، به من اعتماد کرد که مرتکب گناه عمدی نخواهم شد. آمین. به عمد گناه نخواهم کرد. زیرا پسر او به جهت من کفاره شد و به برکت عادل‌شمردگی او مرا وارد بدن خود کرد پس دیگر نمی‌توانم گناهکار باشم. به برکت پیوند با او، رهایی یافته‌م. نه از راه کردار خویش بلکه به برکت کاری که او برایم انجام داد. انجیل همان است.

۱۳۷ افسسیان ۳۰:۴ چنین می‌گوید: «روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید.»

۱۳۸ چندی پیش یکی از واعظان سرشناس باپتیست به من گفت: «برادر برانهام، ابراهیم به خدا ایمان داشت و این برای او عدالت محسوب شد. او دیگر چه کار می‌توانست

انجام دهد، جز اینکه به خدا ایمان داشته باشد؟» چنین ادامه داد: «ما باور داریم که به محض ایمان آوردن روح القدس را دریافت می‌کنیم.»

۱۳۹ در پاسخ گفتم: «اما شما در اشتباه هستید. با وجود صداقتی که دارید اما در اشتباه هستید. پولس در اعمال ۱۹ خطاب به باپتیست‌هایی که شبان خوبی داشتند، یک وکیل توبه کرده، گفت: آیا هنگامی که ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟»

گفت: «متن اصلی این را نمی‌گوید.»

۱۴۰ گفتم: «به همین ترتیب آمده است. من کتاب امپاتیک دیاگنوس را دارم. در هر دو ترجمه‌ی یونانی و عبری به این شکل آمده است. آیه به این ترتیب است: «آیا هنگامی که ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟» گفتم: «ابراهیم ایمان آورد، این درست است. اما خدا به ابراهیم نشانه‌ای داد که ایمان او را مقبول دانسته است، آن نشانه ختنه است.» درست است. در نگاه خدا مقبول افتاد زیرا به او نشانه‌ای داد مبنی بر اینکه او را پذیرفته است.

۱۴۱ اگر با وجود ادعای ایمان تاکنون روح القدس را دریافت نکرده‌اید، خدا هنوز شما را مَهر نکرده است، هنوز به اندازه‌ی کافی به شما اعتماد ندارد. هرگاه نزد خدا می‌آیید، خدا شما را تا روز رستگاری‌تان با روح القدس مَهر می‌کند. این پیغام کلیساست. آمین. کمی عمیق‌تر می‌شویم. بسیار خوب. حال، اول قرن‌تین ۱۲:۱۳، «زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم.»

۱۴۲ در کتاب اعمال شیوه‌ی راهیابی به درون بدن بازگو شده است. اینجا در باب ۲ اعمال، گزارشی از آغاز کلیسا به چشم می‌خورد. در هنگام اعلام نخستین پیغام خطاب به کلیسا، پس از روز پنتیکاست، همه‌ی آنها از روح القدس پر شدند. مریم، تک‌تک رسولان، همگی از روح القدس پر شدند، به زبان‌ها سخن گفتند و رفتارشان به-به مستان می‌ماند. و در آن لحظه‌های مهیب، در حالی که تحت تأثیر روح القدس تلوتلو می‌خوردند، یکسره با فریادهای خود خدا را می‌ستودند. در آن حالت برای آنها فرقی نمی‌کرد که آن روز یکشنبه است یا دوشنبه یا روز دیگری. آنها در آن لحظه‌های شگفتی که سپری می‌کردند، فریاد برمی‌آوردند و پیش می‌رفتند. از این رو بزرگان روشنفکر می‌گفتند: «این جماعت از شراب تازه مست شده‌اند.»

۱۴۳ حال اینجا بود که پطرس در حالی که کلیدهای ملکوت بر کمرش بسته شده بود، برخاست؛ همان کلیدهایی که دسترسی به روح القدس را ممکن می‌سازد. عیسی گفت: «ای پطرس به تو می‌گویم. بر روی این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.» این چه معنایی دارد؟ سخن از حقیقتی است که به طریق روحانی باز و مکشوف می‌شود. «جسم و خون این را بر تو مکشوف نساخت. به هیچ روی این را در سمینار فرانگرفتی. کسی این را در کتابی به تو نیاموخت. بلکه چنانکه پیداست این یک مکاشفه است. مکاشفه! می‌گویم که تو پطرس هستی. من کلیدهای ملکوت را به تو می‌سپارم. هرآنچه بر روی زمین بگشایی، در آسمان می‌گشایم. هرآنچه بر روی زمین ببندی در آسمان می‌بندم.» او باید کلام خود را پاس دارد. در روز پنتیکاست، چه کسی سخن می‌گفت؟ پطرس، زیرا او کلیدها را داشت.

۱۴۴ و عده‌ای به او می‌خندیدند و می‌گفتند: «این مردان از شراب تازه مست شده‌اند.»

۱۴۵ پطرس گفت: «این ساعت سوم از روز است، اینها از شراب تازه مست نیستند. بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت که، خدا می‌گوید در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت. پسران و دختران شما نبوت کنند. بر غلامان و کنیزان خود از روح خود خواهم ریخت. جوانان شما رؤیایا خواهند دید. پیران شما خواب‌ها خواهند دید. و از بالا در افلاک، عجایب و از پایین در زمین، آیات به ظهور آورم. و چنین خواهد بود که هر که نام خداوند را بخواند، نجات یابد.»

۱۴۶ «چون شنیدند دل‌ریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند، ای برادران چه کنیم تا نجات یابیم؟» و اینجا نقطه‌ی شروع رسالت کلیساست. آنها می‌خواستند بدانند چگونه می‌توان به درون این بدن سَری راه یافت. بسیار خوب.

۱۴۷ در اعمال باب ۲، از آیه‌ی ۳۷ سخن از موعظه‌ی گشایش است. نمی‌توانید آن را تغییر دهید. نمی‌توان آن را عوض کرد. گوش دهید.

۱۴۸ چنانچه پزشک شما نسخه‌ای بنویسد ولی آن را به داروخانه، نزد یک داروخانه‌دار شارلاتان ببرید، پیداست او می‌تواند با همان نسخه، شما را به کشتن دهد. می‌دانید، پزشک با علمی که در این زمینه کسب کرده، دُز مشخصی برای شما نوشته است. و او برای شما دُز مشخصی از نوعی سَم نوشته است و پادزهری نیز داده تا اثر آن سَم را کاهش دهد. او باید چیزی دهد تا اثر داروهای دیگر را خنثی کند. و اگر آن نسخه همان‌طور که پزشک دستور داده، پیاده نشود چه بسا این امر مرگ را در پی داشته باشد.

۱۴۹ و خدا آن طبیب اعظم است. او پزشک جان و روان است. او دکتر رستگاری است. و او مردی را، پطرس را، در الهیات خود تعلیم داد. پطرس امی بود وقتی نامش را در مقابلش می‌نوشتند حتی نمی‌توانست آن را بخواند. اما خدا روح‌القدس را به او بخشید و به او قلمی برای نگارش آن آموزه‌ی الهی بخشید. پس او در روز پنطیکاست آن نسخه‌ی الهی را نوشت. بیایید به آنچه نوشت، نگاهی بیندازیم. دکتر شمعون پطرس، بگذار ببینیم نسخه‌ی رستگاری تو چیست. بیایید نوشته‌ی او را ببینیم.

چون شنیدند دل‌ریش گشته، به پطرس و...سایر...رسولان گفتند، ای برادران چه کنیم؟

(مراقب باش، کلیددار تو هستی.) پطرس بدیشان گفت، توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح‌القدس را خواهید یافت.

زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما... و همه‌ی آنانی که دورند یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند.

۱۵۰ این همان نسخه‌ی الهی است. مبدا آن را جعل کنید، بیماران خود را به کشتن خواهید داد. مشکل بسیاری از کسانی که می‌گویند «پدر، پسر، و روح‌القدس» همین است. آنها عده‌ی زیادی از افراد روحانی که بد معالجه شده‌اند را به کشتن می‌دهند.

چنین چیزی وجود خارجی ندارد. هیچ کس در کتاب مقدس به نام «پدر، پسر، روح القدس» تعمیم نیافته است. تا پیش از پیدایش کلیسای کاتولیک چنین آیینی برگزار نشد. کلیسای کاتولیک مادر آن است. در نگاشته‌های مقدس تفحص کنید. تاریخ را بررسی کنید تا موضوع بر شما روشن شود. نخستین بار یک کشیش کاتولیک بود که «پدر، پسر و روح القدس» را به کار برد.

۱۵۱ بر مردم آب می‌پاشند. آیین آب پاش را کلیسای کاتولیک به سخنی همان «مادر فواحش» نهادینه کرد. و همین جاست که از او به عنوان «فاحشه» یاد می‌شود.

۱۵۲ در کاتیشیزم آمده است: «مگر برای یک پروتستانت امکان رستگاری هست؟» می‌گویند: «البته تنها گاهی اوقات، زیرا آنها به آموزه‌ی کاتولیک اعتراف دارند.» پس آنها پیرو کتاب مقدس نخواهند شد. آنها به نام «پدر، پسر و روح القدس» تعمیم می‌دهند هرچند هیچ نگاشته‌ی مقدس مؤید چنین روشی نیست. می‌گویند: «کلیسای کاتولیک این را نهادینه کرد.» و به آن اعتراف می‌کنند. «چه بسا شماری از آنها به خاطر پیروی از آیین‌های کاتولیک رستگار شوند.» چنین چیزی واقعیت ندارد. هیچ کس به این ترتیب تعمیم نیافته است. هیچ کس در کتاب مقدس بدین ترتیب با آب پاش یا شیوه‌ی دیگری تعمیم نیافته مگر با فرو رفتن در آب به نام عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان.

۱۵۳ چند لحظه پیش چه خواندیم، همان که به شما گفتم بعداً به آن خواهیم پرداخت؟ «به توبه و آمرزش گناهان به نام او موعظه کنید.» تا کجا؟ فقط در اورشلیم، به یهودیان؟ «از اورشلیم گرفته به جمیع خلائق، در تمام عالم.» حال، این همان نسخه است که دکتر شمعون پطرس نوشت.

۱۵۴ و شما علمایی که می‌کوشید چیزی به آن امر الهی بیافزایید؟ مبدا چیزی به آن بیافزایید. آن را به همان سان که هست، بپذیرید. این رسالت کلیساست. به این شیوه به درون آن راه می‌یابید «از راه توبه و تعمیم در نام عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان خود و وعده‌ای مبنی بر اینکه روح القدس را دریافت خواهید کرد.» اینک، این گفته‌ی کتاب مقدس است «برای وارد شدن به این کلیسا تعمیم گیرید! برای ورود به این کلیسا تعمیم گیرید!»

۱۵۵ بیابید یک دقیقه غلاطیان ۲۶:۳ را بخوانیم. در این قسمت تنها به یک، دو، سه مورد دیگر می‌پردازیم نه بیشتر سپس جلسه را پایان خواهیم داد. حال بیابید در این بخش غلاطیان باب ۳ را بخوانیم. اگر کسی قبل از من آن قسمت را باز کرد، آن را بخواند. [خواه‌ری شروع به خواندن غلاطیان ۲۶:۳ می‌کند: «زیرا همگی شما... پسران خدا می‌باشید.» - گروه تألیف.] ادامه دهید. [«زیرا همگی شما به وسیله‌ی ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می‌باشید.»] غلاطیان ۲۶:۳؟ [«من آن را خواندم.»]

شاید آن را نخوانده باشم، آن طور که باید یادداشت نکرده‌ام. شاید کولسیان باشد. بیابید کولسیان را بخوانیم. می‌دانم می‌خواستیم به کجا برسیم. بیابید ببینیم که آیا کولسیان ۲۶:۳ است. خیر ۲۶:۳ ندارد.



پس کدام قسمت است، غلاطیان ۳:۲۶؟ [خواهر می‌گوید: «بله.» - گروه تألیف.] همین قسمت، متوجه شدم. درست است. خواهر آن را بخوانید، غلاطیان ۳:۲۶، از همان جایی که شروع کرده بودید. همین است، آیات ۲۶، ۲۷ و ۲۸. حال با دقت گوش دهید. [خواهر غلاطیان ۳:۲۶-۲۸ را می‌خواند.]

ازیرا همگی شما به وسیله‌ی ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می‌باشید.

ازیرا همه‌ی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید. [هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه‌ی شما در مسیح عیسی یک می‌باشید.]

۱۵۶ چگونه وارد این بدن می‌شویم؟ چگونه چنین می‌کنیم؟ «به روح‌القدس در بدن عیسی مسیح تعمید گرفتیم.»

۱۵۷ حال، مسئله‌ی دیگری که پیغام کلیسا را تشکیل می‌دهد، نحوه‌ی راهیابی به درون کلیساست و این مسئله از راه تقدیس میسر می‌شود. سخن از تقدیس است، در عبرانیان ۱۳:۱۲ و ۱۳ آمده است: «عیسی نیز تا قوم را به خون خود تقدیس نماید، بیرون دروازه عذاب کشید.»

۱۵۸ اینک بیایید به افسسیان نگاهی بیندازیم. این یکی را هم می‌خوانیم. افسسیان ۲۵:۵، حالا هرچه سریع‌تر. افسسیان ۵:۲۵. بسیار خوب. این قسمت ۵:۲۵. خیر، باز هم اشتباهی یادداشت کرده‌ام. آن‌طور که باید، در اینجا یادداشت نکرده‌ام. بگذارید ببینیم. «از این رو واعظان و کشیشان...» خوب، بله. چند لحظه بیش با عجله آن را یادداشت کردم، بی‌گمان آیات مربوطه را به درستی ننوشتیم... خوب، برگه‌ای اشتباهی مقابل چشمم است. همین‌طور است. آمین. بله. بسیار خوب.

۱۵۹ عبرانیان ۱۲ و ۱۳: «عیسی نیز تا قوم را به خون خود تقدیس نماید، بیرون دروازه عذاب کشید.»

۱۶۰ پس ای عزیزان، ما این چنین و به این ترتیب به درون کلیسا راه می‌یابیم: از راه توبه، تعمید گرفتن در نام عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان، و وعده‌ای مبنی بر اینکه تعمید روح‌القدس را دریافت خواهیم کرد. بنابراین هیچ واعظی نیست که بتواند از راه دست دادن ما را وارد آن کند. هیچ کشیشی نیست که بتواند عهد ببندد که ما وارد آن می‌شویم. بلکه ما در آن متولد می‌شویم توسط پادشاه آن ملکوت مسیحایی. آمین.

۱۶۱ هم اکنون به این تک مورد اشاره کنم، آیا می‌توانم به یک مورد دیگر بپردازم؟ همین است. چند نفر تنها تا دقایقی بیشتر با من خواهند ماند؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] ملاحظه می‌کنید؟ تنها یک... ساعت نه و نیم است و از ساعت [پایان جلسه] گذشته‌ایم.

۱۶۲ حال، آیا می‌توان بدون کلیسا به آسمان راه یافت؟ به چند گزاره در این باره بسنده خواهیم کرد و چنانچه ملاحظه می‌کنید کمابیش دوازده مطلب یادداشت کرده‌ام.

اما من-من... محض روشنگری به نکته‌ای اشاره خواهم کرد. خیر، آقا. شما نمی‌توانید بی‌آنکه عضو این کلیسای الهی باشید، راهی آسمان شوید.

۱۶۳ اکنون، نخست گفتنی است که بر اساس یوحنا ۳:۵: «جز اینکه کسی از آب و روح زاده شود!» (توبه کنید و به اسم عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرید و از روح متولد خواهید شد.) زاده شدن از آب، زاده شدن از روح! «چنانچه کسی پذیرای این امر نباشد، امکان راهیابی به قلمرو ملکوت خدا را نخواهد داشت.» چنین کسی ملکوت خدا را نخواهد دید. و چنانچه از آب و روح مولود نگردید، در کلیسا نیستید. اگر از آب و روح مولود نگردید، در کلیسا نیستید و پادشاهی خدا را نخواهید دید. آیا این امر برای شما مهم است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] دقیقاً چنین است. حال آیا می‌دانستید...

۱۶۴ چه بسا بگویید: «برادر برانهام، من ایمان دارم.» خوب گوش کنید، «و من تا حال روح‌القدس را دریافت نکرده‌ام.» خیر، شما هنوز باورمند نشده‌اید. تنها برای رسیدن به ایمان، ایمان دارید. شما امید دارید.

زیرا در اول قرن‌تین باب ۱۲ و آیه‌ی ۳ [چنین داریم]. چنانچه مایلید، بیایید در حالی که به پایان جلسه نزدیک می‌شویم، نگاهی گذرا به آن داشته باشیم. اول قرن‌تین ۱۲، باب ۱۲ و آیه‌ی ۳. سریع به آن خواهیم پرداخت و این بخش را می‌خوانیم و می‌بینیم که خداوند در این آیات چه چیزی برای ما دارد. بسیار خوب، اول قرن‌تین باب ۱۲، آیه‌ی ۳.

پس شما را خبر می‌دهم که هرکه متکلم به روح خدا باشد، عیسی را  
آناتیمای نمی‌گوید و... احدی جز به روح‌القدس عیسی را خداوند نمی‌تواند...  
گفت.

۱۶۵ تا زمانی که روح‌القدس را دریافت نکنید، چیزی در موردش نمی‌دانید. می‌گویید: «عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده‌ی شخصی خود پذیرفته‌ام.» از زمانی که ایمان آوردید، روح‌القدس را دریافت کرده‌اید؟ اگر دریافت نکرده‌اید، نمی‌توانید او را خداوند بخوانید زیرا [این چنین دیگر] او خداوند نیست. او تنها وجودی تاریخی است که شما از راه باور پذیرایش شده‌اید. اما هنگامی که او از راه روح‌القدس بر شما فرود می‌آید، جایگاه خداوندی پیدا می‌کند. هیچ انسانی نمی‌تواند عیسی را «خداوند» بخواند مگر به وسیله‌ی روح‌القدس؛ مگر اینکه از روح خدا زاده شده باشید و روح‌القدس در شما قرار گرفته باشد. چنانچه این مسئله برای شما صادق است، از راه تولد در آن پادشاهی راه یافته‌اید و به واقع بخشی از کلیسا هستید. و در شمار کسانی هستید که برون‌خوانی شده‌اند. آیا متوجه می‌شوید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] بسیار خوب، اکنون.

۱۶۶ آیا از یک دانه‌ی ذرت تهی از حیات، می‌تواند زندگی به بار آید؟ اگر دانه‌ای ذرت در زمین کاشته شود، یکی جوانه می‌زد و دیگری جوانه نمی‌زند. آیا آن یکی که جوانه زده است، می‌تواند باز زنده شود؟ [جماعت می‌گویند: «خیر.» - گروه تألیف.] خیر، قطعاً

خیر. در وجودش هیچ چیزی نیست. اگر چه از نظر مواد، برشتوک خوبی از آن تهیه می‌شود درست به همان کیفیت ذرت دیگر. نان ذرتی خوبی از آن تهیه می‌شود درست به همان کیفیت ذرت دیگر. در ویتیرین به اندازه‌ی ذرت دیگر خوشنما خواهد بود. اما اگر در آن زندگی نباشد، نمی‌تواند باز قد برافرازد.

۱۶۷ یک انسان شریف می‌تواند به عنوان یک مسیحی، عضو خوب کلیسا باشد. یک انسان نیکو می‌تواند به عنوان یک مسیحی شهروند خوبی باشد، شخصی خوب، آدمی نیک‌سیرت، ولی با مرگ همه چیز تمام می‌شود مگر اینکه از روح خدا متولد شده باشد. هر چیز آغازمند باشد پایان خواهد یافت.

۱۶۸ تنها خدا یگانه جاوید است و بس. چنین است که ما با دریافت حیات خدا، بخشی از او می‌شویم. عیسی فرمود: «من به آنها زندگی جاوید می‌بخشم.» واژه‌ی یونانی به کار رفته زوئه است که به مفهوم «حیات خود خدا» می‌باشد. و تنها راهی که بتوان دوباره زیست، برخورداری از زندگی جاوید است که همان زندگی خداست زیرا زندگی خود شما از میان خواهد رفت. اما زندگی خدایی او دوباره سر برخواهد آورد زیرا خدا جاوید و ابدی است. و زندگی جاوید بهره‌ی شما شده است و دیگر... درست همچون خدا نامیرا هستید. «هر که به من ایمان آورد حیات ابدی دارد و من در روز واپسین او را دوباره برخواهم خیزاند، او را دوباره بلند خواهم کرد.» زندگی جاویدی که در وجود آن شخص است، او را دوباره برمی‌خیزاند.

۱۶۹ حال، آیا با این توصیف می‌توان بی‌آنکه در کلیسا بود، به آسمان راه یافت؟ نمی‌توانید در کلیسا باشید مگر اینکه دوباره متولد شده باشید. نمی‌توانید به آسمان بروید مگر اینکه دوباره متولد شده باشید. اگر دوباره متولد شده باشید، در کلیسا هستید. پس نمی‌توانید به آسمان بروید مگر اینکه عضوی از این کلیسای الهی باشید و نمی‌توانید یک عضو باشید مگر اینکه از سر نو در آن زاده شوید.

۱۷۰ و بگذارید اکنون به قولی کمی نفس شما را بند بیاورم. شما نمی‌توانید عضو شوید مگر اینکه خدا شما را به عضویت فراخوانده باشد. حال، چقدر باید از این بابت خوشحال باشید، از اینکه پیش از بنیاد عالم از پیش مقدرشدگان هستید. و نام شما... چه پر جلال! «نام‌های شما در دفتر حیات برّه ثبت شده است.» [در] دفتر کلیسا، «پیش از بنیاد عالم.» این گفته‌ی کتاب مقدس است.

به گفته‌ی کتاب مقدس «ضد مسیح» به سخنی تشکّل‌ها، کلیسای کاتولیک و دیگر نظام‌ها و سازمان‌ها «در زمین، تمام کسانی که نام آنها پیش از بنیاد عالم در دفتر حیات برّه ثبت نشده باشد را گمراه خواهد کرد.»

عیسی فرمود: «همه‌ی آنانی که پدر به من بخشیده است، نزد من خواهند آمد.» این سخن خود اوست. این کاری نیست که شما خود انجام داده باشید بلکه کار خود اوست.

۱۷۱ بیایید ظرف یک دقیقه موضوع را به پایان برسانیم. به افسسیان برگردیم، باب اول، باید عجله کرد. به این گوش دهید. در اینجا سخن از پولس است. حال، پولس بر آن بود تا کلیسا را به درک بهتری از کمال برساند. او در اینجا مسیحیان را

مخاطب می‌سازد. چند مسیحی اینجا حضور دارند؟ بگذارید دستان شما را ببینیم. [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] بسیار خوب. پس این برای کودکان نیست. برای کسانی است که می‌توانند گوشت بخورند. حال، باب یک، به هویت مخاطب توجه کنید.

پولس به اراده‌ی خدا رسول عیسی مسیح... (نه با حکم اسقف، نه با حکم یک تشکل).

به اراده‌ی خدا... رسول (آنکه فرستاده شده) به مقدسینی (به تقدیس‌شدگان، یا به مقدسان) که در افسس می‌باشند و... ایمانداران در مسیح عیسی.

۱۷۲ این آیات را خطاب به چه کسانی می‌گوید؟ کسانی که در کلیسا بوده‌اند. زمانی که در مسیح هستید، در واقع در بدن مبارک او هستید. آیا درست است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] آنگاه عضو کلیسا هستید.

فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و... عیسی مسیح خداوند بر شما باد.

متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی.

۱۷۳ ترتیب الهی برای انجام این کار چه بود؟ چگونه این کار را انجام داد؟ آنها تا آمدن درست رسیده بودند. چنین وارد سرزمین موعود شده بودند و در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی نشسته بودند. چنین است. «ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی» سخن از آموزه‌ی کلام، در جایگاه کلیساست به بیانی آن جمع برون‌خوانده‌شده که در عیسی مسیح هستند. «ما با یکدیگر در جای‌های آسمانی نشسته‌ایم.» در جایگاه کلیسا، هرگاه در عیسی مسیح زاده شده باشیم. «مقدسان، فراخوانده‌شدگان» چه باشکوه، سخن از کسی است که خدا می‌تواند چیزی به او بیاموزد. او مشکلات متعددی با کلیسای قرن‌تین داشت اما نه با این کلیسا. او می‌توانست چیزهای شگرفی به آنها یاد دهد. بسیار خوب.

متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را مبارک ساخت به هر...

دو پیغام آخر مرا به یاد دارید؟

...به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی.

چنانکه...

گوش دهید. حال این مورد شما را شوکه می‌سازد.

چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید... (فعل زمان گذشته)

«در واپسین بیداری؟» درست خواندم؟ [جماعت می‌گویند: «خیر.» - گروه تألیف.]

چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم... (اینجا را ببینید)... پیش از بنیاد عالم در

او برگزید تا در حضور او در محبت، مقدس و بی‌عیب باشیم.

پ-ی-ش-ب-ر-گ-ز-ی-د-ه-ش-د-ه-...

۱۷۴ ما چه کرده‌ایم؟ هیچ سخن از کاری می‌شود که او انجام داد و من هم به همین نگاه می‌کنم. در چه برهه‌ی زمانی آن کار را انجام داد؟ پیش از بنیاد عالم ما را برگزید، نام‌های ما را در دفتر حیات خود، در کتاب کلیسای خود ثبت کرد تا عضو این بدن سَری باشیم.

که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم به وساطت عیسی مسیح بر حسب خشنودی اراده‌ی خود.

۱۷۵ باشکوه است! برادر گرامی، چنانچه بخواهی به این امر نائل شوی، بی‌گمان باید در درون آن کلیسا باشی زیرا او برای برداشتن یک کلیسا برمی‌گردد؟ چگونه کلیسای؟ «کلیسای بی‌لکه یا بدون چین.» چطور می‌شود این چنین بود؟ از راه مردن در مسیح، تعمید گرفتن با روح‌القدس در بدن سَری او و کفاره خون پسر خدا که هر ساعت از روز برای ما کفاره می‌کند. «بی‌عیب و بری از هرگونه اتهام» این توصیف آن کلیساست که به سخنی «بی‌لکه و بدون چین» می‌باشد. خدا ما را در او برگزید و نام‌های ما را در دفتر خود نوشت.

بر اساس کتاب مقدس «عیسی مسیح همان برّهی ذبح شده است...» آیا این مسئله هزار نهصد سال پیش رخ داد؟ پس کی؟ «برّهی ذبح شده از زمان بنیاد جهان.»

۱۷۶ هنگامی که «خدا»؛ واژه‌ی به کار رفته در کتاب مقدس؛ در متن پیدایش، در پیدایش باب ۱ چنین آمده: «در ابتدا خدا...» به معنی این نام یعنی خدا در عبری نگاهی می‌اندازیم. این واژه به صورت ال، اله، الوهیم نوشته می‌شود و مفاهیمی چون «خود استوار، بی‌نیاز از هر چیز و توانای برتر» را دربردارد. مقدم بر آن [آدوس] هیچ وجودی نیست. هیچ هوایی پیدا نبود. هیچ ستاره‌ای نبود. هیچ رطوبتی وجود نداشت. از هیچ جوّی هم خبری نبود. هیچ اتمی هستی نیافته بود. هیچ مولکولی هم نبود. هیچ چیزی پیش از آن [آدوس] پیدا نبود. خدا بود، آن وجود جاوید. و صفات در ذات او بود، صفت نجات‌دهنده، صفت پدری، صفت الهی. در آن متن او آنجا خدا نبود. او چنین بود-او خدا بود ولی هیچ پرستشی در کار نبود. پس [واژه‌ی] خدا به مفهوم «پرسته و معبود» است ولی در آن فضا کسی نبود که حق را بپرستد. پس صفاتش در او بود تا آن گونه باشد؛ نجات‌دهنده، شفادهنده، هرآنچه که هست.

۱۷۷ پس سخن از نخستین آفریده‌ی او می‌شود. حال، دسته‌ای از عزیزان می‌خواهند از روایت من از پیدایش آگاه شوند. خدا گفت: «انسانی بسازیم.» او در مرحله‌ی نخست فرشتگان را برای پرستش خود آفرید، آنگاه خدا شد. سپس با گفتن: «آدم را موافق شبیه ما بسازیم» چگونه انسانی آفرید؟ انسانی روحانی. سپس همین که انسان را آفرید، فرمانروایی را به وی سپرد. پس انسان را از خاک زمین بسرشت. سپس آدم فروافتاد و آنجاست که خدا نجات‌دهنده شد. خدا و سپس نجات‌دهنده. گناه، بیماری‌ها را پدید آورد، آنگاه خدا شفادهنده شد. هلولویا! هیچ چیز ناهمسو نیست. او پیش از شکل‌گیری جهان از همه چیز آگاه بود. می‌دانست که ما امشب این جلسه را خواهیم

داشت. او هر پشه‌ای که تا به حال بر روی زمین بوده را می‌شناسد و اینکه چندین پشه تولید نموده است و از شمار پلک زدن‌های همه‌ی آنها آگاه است. خدای نامحدودی است. از همه چیز آگاه است. آمین. مگر امشب خوشحال نیستید که نام شما در آن دفتر فرخنده نوشته شده است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.»- گروه تألیف.]

چه فکر زیبایی در سر می‌پرورانم  
به آن پرنده‌ی بزرگ آغشته به خون می‌نگرم،  
گفته می‌شود که نامش مکتوب شده  
در صفحات کلام مقدس خدا.  
دیگر پرندگان دورش جمع شده‌اند،  
او را حقیر می‌شمرند.

۱۷۸ منظور از آن پرنده‌ی آغشته به خون چیست؟ با شخصی که گفت این حرف نادرست است، موافق نیستم. پرنده‌ی خالدار در کتاب مقدس به چه چیزی اطلاق می‌شد؟ برخلاف ادعایی که در این خصوص مطرح می‌شود، منظور اسرائیل نیست. منظور کلیسای عیسی مسیح است.

هنگام تقدیم قربانی گناه چه می‌کردند؟ جفتی فاخته می‌گرفتند سر یکی از آنها را می‌کنندد خونش را می‌ریختند و آن را بر روی سر جفت زنده می‌ریختند و رهایش می‌کردند. آن جفت در حالی که به خون جفت مرده رنگین شده بود به اطراف زمین می‌رفت و هنگامی که با بال‌های خود پر می‌گشود، خونین بود. و خون بر روی زمین پاشیده می‌شد و فریاد می‌کرد: «قدوس، قدوس، قدوس خداوند خدای قادر مطلق! قدوس، قدوس، قدوس خداوند خدای قادر مطلق!»

۱۷۹ این نمونه‌ای از مسیح بود. و آن پرنده‌ی بزرگ آغشته به خون، کلیسای الهی است که با خون پر بهای آن یار جان باخته‌اش، آن نجات‌دهنده، عیسی مسیح خونین شده است. و امروز به سراسر زمین می‌رود و بال‌زنان فریاد برمی‌آورد: «قدوس، قدوس، قدوس خداوند خدای قادر مطلق!» آمین! از شناخت او، بسیار شادمانم. شادمانم از اینکه نامم در دفترش آمده است، به خاطر کردار نیکم [نامم] آنجا نیست، خیر آقا، به هیچ روی با کردار نیک خود آنجا نخواهیم بود. بلکه به وسیله‌ی نیکویی و رحمت خدا، نام‌های ما پیش از بنیاد جهان در دفترش نگاشته شد.

۱۸۰ شناسه‌ی کلیسا چیست؟ چه ماهیتی دارد؟ چگونه بود؟ چگونه است؟ در اینجا سخن از آن گروهی است که برون‌خوانی شده‌اند.

بانی آن کیست؟ عیسی مسیح. نه یک اسقف، نه کلیسای کاتولیک، نه متدیست‌ها، نه لوتر، نه وسلی. خیر، آقا. بنیانگذار کلیسا کیست؟ عیسی مسیح.

پیغامش چیست؟ توبه، تعمید آب، تعمید روح القدس، شفای الهی، رستگاری.

چگونه می‌توانیم عضو آن شویم؟ با زاده شدن در آن.

آیا می‌توان بدون آن به آسمان راه یافت؟ خیر، آقا. «آنانی که در مسیح مرده‌اند، خدا آنها را با او می‌آورد.» و نه-نه هیچ کس دیگر بلکه کسانی که در مسیح مرده‌اند.

عیسی به جهت کسانی که در مسیح مرده‌اند، باز خواهد گشت. افسسیان باب ۴ می‌گوید که...نه. به گمانم غلطیان باب ۴ است. می‌گوید: «آنانی که در مسیح مرده‌اند خدا آنها را با او می‌آورد. آنانی که در مسیح مرده‌اند خدا آنها را با او می‌آورد.»

۱۸۱ پس کلیسا گروهی از برون‌خوانده‌شدگان می‌باشد، سخن از بدنی سَری است. مسیح خود آن را سامان داده است. او پیش از مرگ خویش ظهور آن امر را نوید داد و گفت: «در جایگاه شهریار این قلمرو باز خواهیم گشت. پس از اندک زمانی دنیا مرا نخواهد دید اما شما مرا خواهید دید. شما را با پادشاهی دنیا کاری نیست.»

۱۸۲ چرایی این آشفتگی و سردرگمی که مردم در آن به سر می‌برند و از آن به عنوان «بابل» یاد می‌شود را باید در همین جا جستجو کرد. یکی می‌گوید: «خوب، خدا متبارک باد، من مشایخی هستم. خدا را سپاس، متدیست هستم. خدا را سپاس، من...»

خدا را سپاس، من پیرو مسیح می‌باشم. آمین. همین و بس. از کجا می‌دانم که پیرو مسیح هستم؟ «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» آیا ملاحظه می‌کنید؟ این کارت شناسایی شماس. نگویید: «یک دقیقه صبر کن، به نظرم کارت عضویت خود را گرفته‌ام.» خیر. من کارت عضویتی ندارم. کارت عضویت من آن بالاست. چه بسا اگر اینجا باشد آن را گم کنم. اما او به من چنین گفت: «پیش از پیدایش دنیا.» برای من و همین‌طور برای هر که به ملکوت خدا راه می‌یابد، کارت شناسایی صادر کرد. در آسمان نگهداشته می‌شود، از این رو آن دفترهای ثبت خوب حفظ می‌شود. بسیار شادمانم. من...

۱۸۳ کسی گفت: «من در پی خدا بودم. من خداجو بودم.» این ادعا برخلاف چیزی است که در کتاب مقدس آمده است. در واقع این خداست که در جستجوی شماس، نه اینکه شما در جستجوی خدا باشید. خدا جستجوگرانه در باغ عدن فریاد می‌کرد: «ای آدم کجایی؟» سخن از این نیست که آدم فریادکنان می‌گفت: «خدایا، کجایی؟» این خدا بود که فریادکنان می‌گفت: «ای آدم، کجایی؟»

۱۸۴ از اینکه یکی از اعضای آن هستم، سراپا شادم. مگر برای شما عزیزان چنین نیست؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف.] به خاطر این کلیسای بزرگ بس خرسندم. بخشید که شما را برای مدت طولانی نگه داشتیم. آیا به این کلیسای بزرگ ایمان دارید؟ [«آمین.»] آیا به آن ایمان دارید؟ [«آمین.»] ایمان دارید که آن بدن سَری است؟ [«آمین.»]

۱۸۵ حال، شما عزیزان کاتولیک، تنها کار بایسته برای عضویت در آن همان پذیرش عیسی مسیح و تولد از آن روح الهی است. شما باپتیست‌ها، متدیست‌ها، مشایخی‌ها، لوتری‌ها، هر چه هستید، به اینجا گوش کنید. می‌ادا فکر کنید از پنطیکاستی‌ها جانبداری می‌کنم. پنطیکاستی‌ها از راه بدر شده‌اند، دقیقاً مانند همه‌ی کلیساهای دیگر. این کاملاً درست است. آنها هم تنها در حد نام‌نویسی و اعتراف وارد آن می‌شوند. در همین حد. و در واقع برخوردار نیستند. درست است. زیرا هنگامی که در روح متولد می‌شوید، خلقت تازه‌ای می‌شوید و از آن پس دیگر خدا با شما به عنوان پسران سر و کار دارد

و روح خدا شما را هدایت می‌کند. اهمیتی ندارد به کدام تشکل تعلق دارید که هیچ ندارد... این تنها یک مؤسسه‌ی دنیایی است که از بین خواهد رفت. اما پرسش این است که آیا شما عضو بدن سِریِ عظیم مسیح هستید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.»] گروه تألیف. [اگر چنین نیست، باشد امشب در حالی که لحظاتی سرهای خود را برای دعا خم کرده‌ایم، او را دریافت کنید.

۱۸۶ اکنون در حالی که تأمل می‌کنیم، آیا عزیزانی در این جمع هستند که دستان خود را بلند کرده‌اند؟ باشد که بگویند: «خدایا، دست خود را نزد تو برافراشته‌ام، امشب مرا عضو آن کلیسا گردان. به من تولدی عطا کن که مرا از آن برخوردار کند. خداوندا، آیا مرا فراخوانده‌ای؟ پس می‌خواهم عضو آن کلیسا بشوم. هر چند به یکی از این تشکل‌های زمینی پیوسته‌ام اما از این تجربه بی‌بهره‌ام. من قدرت بیرون راندن روح‌های پلید را ندارم و همچنین اعمالی که تو فرمودی همراه ایمانداران خواهد بود. خداوندا، هنوز آن را دریافت نکرده‌ام. و تو گفتی این آیات [همراه ایمانداران] خواهد... (خواهد یعنی تو می‌خواهی) خداوندا، به من قوت عطا کن.»

۱۸۷ خدا به شما برکت دهد. خدا به شما برکت دهد، همین‌طور شما و شما. همه‌ی عزیزانی که دستان خود را بلند کرده‌اید، خدا به شما برکت دهد و به شما قوت عطا نماید که عضو این کلیسای فرخنده باشید، کلیسای عیسی مسیح. آیا پیش از اینکه وارد دعا شویم، عزیز دیگری هست؟ خانم جوان، خدا به شما برکت دهد. خواهر، خدا به شما برکت دهد. خدا به شما برکت دهد. بله. دست شما را در آن انتها می‌بینم. آن سو، خدا به شما برکت دهد. آقا پسر، دست شما را می‌بینم. برادر، اینجا دست شما را می‌بینم. بله. خدا به شما برکت دهد و به شما، دختر خانم آنجا، یک دختر جوان. خدا به شما برکت دهد. عزیز دیگری، فقط دست خود را بلند کنید. خواهری که آنجا نشسته‌اید، خدا به شما برکت دهد. «می‌خواهم یک عضو باشم. می‌خواهم امشب هنگام خروج از ساختمان، خون او بر من قرار گیرد تا بتوانم رفته و در زندگی خود فریاد برآورم: «قدوس خداوند.» آقا پسر، آن انتها، خدا به شما برکت دهد. خدا به شما برکت عطا کند. عزیز دیگری؟ دست خود را بلند کنید. آیا عزیز دیگری هست که بگوید: «خدایا، بر من رحم کن؟»

۱۸۸ چنانچه تمایل دارید به جهت دعا پای مذب بیابید، در حالی که این سرود را می‌خوانیم [تشریف بیاورید].

به خانه بیا، به خانه بیا،

تویی که فرومانده‌ای، به خانه بیا؛

۱۸۹ اگر در مورد وضعیت خود اطمینان ندارید، از شما دعوت می‌کنم بیابید و دعا کنید.

در حالی که دعا می‌کنیم:



عیسی تو را با آرامی و با لطافت فرامی خواند،  
تو و من را صدا می‌زند،  
بین که در دروازه منتظر است و می‌نگرد،  
به تو و من می‌نگرد.

بیا... به خانه بیا،  
تویی که فرومانده‌ای، به خانه بیا؛  
عیسی با جدیت و با لطافت فرامی خواند،  
فرامی خواند، ای گناهکار، به خانه بیا!

بیا بید به اتفاق این را زمزمه کنیم.

چرا باید ما...

[برادر برانهام زمزمه می‌کند- گروه تألیف.]

۱۹۰ خانم مسنی برای دعا پای مذبح آمده‌اند. عزیز دیگری هست که تمایل داشته باشد بیاید و امشب لحظاتی دعا کند؟

با وجود اینکه ما گناه کرده‌ایم، او رحمت و بخشش دارد،  
بخشش به جهت تو و من.  
بیا... به خانه بیا، بیا...

۱۹۱ شما بچه‌های عزیز، آیا می‌توانید کمی آن طرف بروید؟ دخترخانم‌های گرامی، اینجا تشریف بیاورید. آقا پسر، کمی به آن طرف تر برو.

...تویی که فرومانده‌ای، به خانه بیا،  
عیسی با جدیت و با لطافت فرامی خواند،  
فرامی خواند، ای گناهکار، به خانه بیا!

به خانه بیا، به خانه بیا،  
تویی که فرومانده‌ای، به خانه بیا،  
عیسی با جدیت و با لطافت فرامی خواند،  
فرامی خواند، ای گناهکار، ...بیا!

۱۹۲ اگر اطلاع می‌یافتید که فردا در همین ساعت کشور از بین خواهد رفت، چه کار می‌کردید؟ در روزگاری هولناکی به سر می‌بریم. امروزه نمی‌توان به هیچ چیز جدا از مسیح چشم امید دوخت. پس چرا چنین خطر را به جان می‌خرید، چرا جانی که خدا با خون پسر خود خریداری کرده را به خطر انداخته و در موردش ریسک کنید؟ چرا به جای این کار زندگی خود را به او تقدیم نمی‌کنید؟ چه چیز را از دست می‌دهید؟ به همه چیز نائل خواهید شد.

۱۹۳ چه بسا بگویید: «خوب، من به آن ایمان ندارم.»

خوب، کتاب مقدس گفت که شما جاهل هستید. چرا شما...؟ در کتاب مقدس آمده که مرد ثروتمند به آن ایمان نداشت. دم غروب سرگرم خنده و خوشگذرانی می‌شد ولی

هنگامی که آفتاب از افق سر زد، از جهنم سر در آورده بود. چرا مانند آن شخص چنین با اقبال خود بازی کنید؟ چرا برای تقدیم زندگی خود به مسیح نزدیک نمی‌شوید؟ بیایید... من به شما هشدار نمی‌دهم. شما را نمی‌ترسانم. به اعلام حقایق بسنده می‌کنم. چنانچه از سر نو زاده نشوید، سراسر بازنده خواهید بود. زندگی چه سودی برای شما داشته است؟ گویی چیزی جز کوله باری از ناامیدی‌ها نیست. چرا برای یافتن چیزی که جاودانه است، نمی‌آیید؟ به امری که حقیقی است دست بیاویزید.

۱۹۴ در حالی که دوباره سرود می‌خوانیم، سه یا چهار نفر این اطراف هستند. نمی‌خواهید یکبار دیگر بیایید؟

عیسی با جدیت و با لطافت فرامی‌خواند،  
فرامی‌خواند، ای گناهکار، به خانه بیا!

بیا... بیا... (این جان شماست. شاید دیگر هرگز دوباره با چنین کیفیتی این حس را تجربه نکنید.)  
تویی که فرومانده‌ای... به خانه بیا؛ (شما پسران جوان، می‌توانید همگی به این سمت بیایید، به این بالا تشریف بیاورید؟ بله -  
(بله.)

با جدیت و با لطافت... (آقا پسر، اینجا بیا...؟...)  
فرامی‌خواند، ای گناهکار (آقا پسر، از اینجا به این سمت بیا،  
به خانه بیا!

به خانه بیا... (نمی‌خواهید بالا تشریف بیاورید؟... خانه،  
تویی که فرومانده‌ای، به خانه بیا (به اینجا بیا، پسر عزیز. به  
اینجا بیا، بر صندلی من بنشین...؟... بر صندلی من بنشین...  
(...؟)

عیسی... با لطافت فرامی‌خواند،  
فرامی‌خواند، ای گناهکار، بیا...

۱۹۵ می‌خواهم از شما چیزی بپرسم: آیا دیگر شما را با او کاری نیست؟ آیا می‌خواهید از او رویگردان باشید؟ آیا شما همچون پیلاتس خواهید گفت: «کمی آب برایم بیاورید، من دست خود را از این جلسه می‌شویم»؟ شما چنین برخورد می‌کنید. در دستان شما قرار دارد. نه تنها در دستان شما بلکه در قلب شما. در ضمیر شما جای گرفته است. مابقی عمر خود را با آن زندگی خواهید کرد. نکوشید آن را بشوید. عمل پیلاتس را تکرار خواهید کرد: با شستن دستان خود روزی کار شما به خودکشی خواهد رسید. این کار را نکنید. اکنون بیایید.

۱۹۶ یک بار دیگر. در حالی که فراخوانی می‌کنیم، چند نفر از برادران خوب مسیحی تشریف بیاورند، شما خادمان این آقايان را همراهی کنید. از شما خواهش می‌کنم که می‌دانید چگونه با مردم صحبت کنید، می‌خواهم تشریف بیاورید زانو بزنید. در حالی که می‌آییم در کنار این [خانم‌ها] دعا کنید، محبت خود را به آنها نشان دهید.

به خانه بیا... به خانه،

(برادر نویل، لطفاً جلسه را هدایت کنید.)

...فرومانده‌ای، به خانه بیا؛

عیسی با جدیت و با لطافت...

فرامی‌خواند، ای گناهکار، به خانه بیا!

۱۹۷ بیایید اکنون همگی برای دعا سرهای خود را خم کنیم...؟... بیایید اینک سرهای خود را خم کرده و دعا کنیم.

پروردگارا این توبه‌گران را نزد تو می‌آوریم. پروردگارا، باشد که روح با برافروختن آتشی در قلب عزیزان، اشتیاقی عمیق در درونشان پدید آورد و باشد که فراتر از آن، به دیدار عیسی مسیح نجات‌دهنده‌ی خود نائل شوند. او خون خویش را ریخت و برای آنها مرد، باشد که از آنها خلقت‌هایی تازه پدید آورد. خداوند، این را عنایت فرما.

۱۹۸ می‌دانیم که نگاهشده‌های مقدس راه حصول ایمان درست به تو را به ما بخشید. می‌دانیم کسانی که نزدیک می‌شوند را از خویش نخواهی راند. تو چنین وعده داده‌ای. وعده‌ی تو واقعی است: «هر که کلام مرا نگه دارد و به آنکه فرستادم ایمان داشته باشد، حیات جاوید خواهد داشت و هرگز در داوری نخواهد ایستاد بلکه از موت به حیات منتقل گشته است.»

۱۹۹ به جوانان و پیران به یکسان از روح خود ببخش. خداوند، این را عطا کن. این را در نام عیسی و به جهت او طلبیدیم.

...خانه، به خانه بیا،

تویی که فرومانده‌ای، به خانه...

عیسی با... و با لطافت فرا...

فرامی‌خواند، ای گناهکار، به خانه بیا!

حال همه برای دقایقی در دعا باشید.

[برادر برانهام زمزمه می‌کند-گروه تألیف.]

بگذارید آنها به گناهان خود اعتراف کنند...



پنج شناسه‌ی آشکار کلیسای راستین خدای زنده FRS60-0911E  
(Five Definite Identifications Of The True Church Of The Living God)

برادر ویلیام ماریون برانهام این پیغام را به زبان انگلیسی در عصر یکشنبه ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۰ در خیمه برانهام در جفرسون ویل ایالت ایندیانا آمریکا ایراد کردند. این پیغام در یک نوار مغناطیسی ضبط شد و به شکل کامل به زبان انگلیسی به چاپ رسید. برگردان فارسی این اثر با کوشش انتشارات Voice Of God Recordings چاپ و بخش می‌گردد.

FARSI

©2021 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

VOICE OF GOD RECORDINGS  
P.O. Box 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.  
[www.branham.org](http://www.branham.org)